

محل و فضیلت نماز در آن



دیازین: الحاج سلیمه عابد پیمان سویدن

Ketabton.com



۱۳۹۴

تتبع، نگارش و نوشته از:

الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »

و داکتر صلاح الدین « سعیدی - سعید افغانی »

www.masjed.se

محل وفضیلت نماز در آن

بسم الله الرحمن الرحيم

محل وفضیلت نماز در آن

خواندن نماز در کعبه :

قبل از همه باید گفت که مسجد کعبه در شهر مکه معظمه، با فضیلت ترین مکان عبادتی در کره زمین بشمار میرود ، و بعد از مسجد کعبه مسجد نبوی در شهر مدینه منوره میباشد .

در مورد اینکه کدام یکی از این دو شهر (مکه و مدینه) دارای فضیلت بیشتر اند ، در بین علماء اختلاف نظر وجود دارد. امام صاحب ابو حنیفه ، امام صاحب شافعی و امام صاحب احمد بن حنبل و یارانشان (رحمه الله) بااستناد به حدیث عبدالله بن زبیر بر این عقیده اند که :

مکه نسبت به مدینه فاضل تر است زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم فرموده اند : « صلاه فی مسجدی هذا افضل من الف صلاه فیما سواه الا مسجدالحرام و صلاه فی المسجد الحرام افضل من مانه صلاه فی مسجدی » یعنی (یک نماز در این مسجد من از هزار نماز در غیر آن برتر است مگر مسجد الحرام و یک نماز در مسجدالحرام از صد نماز در این مسجد من برتر است.)

ولی در مقابل امام صاحب مالک (رحمه الله) بدین عقیده است که : مدینه برتر است نسبت به مکه ، وی استدلال خویش را به این حدیثی پیامبر صلی الله علیه و سلم مستند ساخته ومی افزاید :

زمانیکه پیامبر اسلام شهر مکه از دست مشرکین ترک میگردد و به مدینه آغاز به هجرت کرد ، فرمودند : « بار الها ، تو می دانی که آنان مرا از دوست داشتنی سرزمین نزد من بیرون راندند، پس مرا در محبوب ترین سرزمین نزد خود سکونت ده . »

خواننده محترم !

مکه مکرمه بلدالحرام محبوب ترین شهردر نزد الله تعالی (ج) و پیامبر صلی الله علیه و سلم ، قبله مسلمانان، و محل ملاقات مومنان میباشد.

پروردگار با عظمت ما این شهر را به خاطر تعظیم و جلالش، از روزی که زمین و آسمان را پدید آورده است حرمت بخشیده است. درین شهر کعبه شریفه اولین خانه یی که غرض عبادت خداوند (ج) در روی زمین نهاده شده، قرار دارد و همین جهت هم مکه مکرمه حرمت آن بزرگتر گردیده است.

طوریکه گفتیم ثواب اعمال و عبادت در مکه معظمه نسبت به دیگر شهرها و اماکن زیاد و بیشتر است، و ثواب و اجر یک نماز درین شهر معادل یک صد هزار نماز در غیر آن است و به خاطر عظمت بیت الله ، مکه مکرمه هم عظمت پیدامی کند و از جهت حرمت آن، حرمت مکه مکرمه هم به میان آمده و از جهت امان بیت الله الحرام، مکه مکرمه هم امان پیدامیکنند طوری که الله تعالی فرموده :

«وهر کسیکه به آن داخل گردید در امان میباشد» (آیت 97 سوره آل عمران) این هم دلالت به امان و عظمت مکه مکرمه می کند که الله تعالی به این شهر سوگند یاد نموده و فرموده « سوگند به این شهر » (آیت 1 سوره البلد) هکذا پیامبر صلی الله علیه و سلم در مورد عظمت مکه میفرماید :

«سوگند به الله که تو (مکه) بهترین زمین خداهستی و محبوب ترین شهردر نزد خداوند (ج) میباشد، اگر من از تو بیرون نمیشدم هرگز از تو بیرون نمیرفتم » (روایت احمد ج ، صفحه 3،5، درامی صفحه 2513، ترمذی حدیث نمیر 2539) هکذا ابن ماجه از عبدالله بن عدی بن الحراء از حضرت کعبه (رضی) روایت است که گفت : « خداوند ج شهرها را انتخاب نمود و بهترین شهردر نزد او تعالی بلد الحرام مکه مکرمه است » (بیهقی 3740) .

امام ارزقی مینویسد :

خداوند هیچ فرشته ای را به سوی زمین روانه نمی کند ، مگر این که او را فرمان دهد نزد عرش احرام بسته ، تلبیه بگوید ، هفت بار خانه خدا را طواف کند و سپس در داخل کعبه مشرف دو رکعت نماز به جای آورد.

از ابن عباس (رضی الله) روایت شده است که پیامبر (صلی الله علیه و سلم) فرموده اند : هر روز صد و بیست رحمت خداوند بر این بیت نازل می شود ، شصت رحمت برای طواف کنندگان ، چهل رحمت برای نماز گزاران و بیست رحمت برای نگاه کنندگان (به کعبه) است .

ثواب و فضیلت عبادت در کعبه :

طوریکه در فوق یادآور شدیم که اجر و ثواب عبادت نماز در مسجد کعبه (مسجد الحرام) با فضیلت تر و بالاتر از همه مساجد روی زمین است ، این اجر و ثواب مختص به مسجد کعبه (که بیت قدیم و قسمت توسعه یافته آنرا شامل می شود) بوده ، و شامل سایر مساجد شهر مکه نمیگردد .

محل و فضیلت نماز در آن

طوری‌که این حکم در حدیثی پیامبر صلی الله علیه وسلم به صراحت بیان گردیده است: «صلاة فی مسجدي هذا أفضل من ألف صلاة فيما سواه إلا مسجد الكعبة» (خواندن يك نماز در مسجد من بهتر است از هزار نمازی، که در مسجدی دیگر خوانده بشود به جز مسجد الحرام) که ثواب نماز آن از نماز خواندن در مسجد من نیز بیشتر است). (مسلم حدیث شماره (1396)).

از جانب دیگر فضیلت مسجد کعبه در حدیثی دیگری که در آن فضیلت مسجد نبوی در مدینه بیان گردیده است بخوبی معلوم میگردد.

در حدیثی پیامبر صلی الله علیه وسلم آمده است: «لا تُشَدُّ الرِّحَالُ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ: الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ، وَمَسْجِدِي هَذَا، وَمَسْجِدِ الْأَقْصَى». (به سوی هیچ مسجدی قصد سفر نمی‌شود) و بار و بنه بسته نمی‌شود (جز به سوی مسجد الحرام، مسجد من و مسجد اقصی). (بخاری (1189) و مسلم (1397)).

طوری‌که ملاحظه می‌فرماید در این حدیث در جنب اینکه فضیلت عبادت در این مساجد را نشان میدهد ممنوعیت و نامشروع بودن مسافرت را به قصد فضیلت عبادت به سایر مساجد روی زمین، را نیز بیان میدارد. بنابراین حکم مضاعف بودن ثواب مختص به مکانی است که قصد سفر و شد رحال به آن در شرع بیان و جایز شمرده شده است.

محدوده مسجد مکه:

در مورد اینکه محدوده مسجد کعبه شامل و فضیلت نماز در کدام حصه ای از حرم شریف را دربر می‌گیرد، علماء می‌فرمایند:

نماز خواندن در مساجد مکه للخصوص مساجدی که داخل در محدوده حرم هستند همگی افضلتر از مساجدی هستند که خارج از آن محدوده قرار دارند.

علماء در این مورد استدلال می‌ورند: زمانیکه پیامبر صلی الله علیه وسلم در منطقه حدیبیه سکونت یافتند، و قسمتی از حدیبیه داخل در حرم و قسمتی خارج از حرم می‌باشد، ایشان در (قسمتی از حدیبیه که) در حرم بود نماز خواندند، در حالیکه ایشان صلی الله علیه وسلم در مکانی از حدیبیه سکونت کرده بودند که در خارج از حرم قرار داشت. و این امر دلالت بر افضل بودن نماز در محدوده حرم مکی را نیز دارد.

البته این امر دلیلی بر فزونی یافتن (ثواب نماز بمانند مسجد کعبه) شده نمیتواند. (تفصیل موضوع را میتوان در فتاوی الشیخ ابن عثیمین» (395/12). مطالعه فرماید.

بنآ به اساس استدلال فوق در یافتیم که هدف از فضیلت نماز در مسجد کعبه داخل مسجد کعبه است نه تمامی محدوده حرم مکی یا تمام شهر مکه، چرا که در حدیثی پیامبر صلی الله علیه وسلم دریافتیم که: «صلاة فی مسجدي هذا خیر من ألف صلاة فيما سواه، إلا المسجد الحرام».

(بخاری: 1190) یعنی: «نماز خواندن در مسجد من، هزار بار بهتر از نماز خواندن در سایر مساجد است بجز مسجد الحرام».

بنابراین فضیلت نماز خواندن در مسجد الحرام از هزار بار نیز بیشتر است. چنانکه در روایتی دیگر در صحیح مسلم آمده: «افضل من الف صلاة» (صحیح مسلم 1012/2) و در مسند امام احمد رحمه الله، اضافه ای دارد: «... و صلاة فی مسجد الحرام افضل من مائة صلاة فی هذا» یعنی فضیلت نماز خواندن در مسجد الحرام صد برابر مسجد النبی است. (مسند امام احمد 5/4).

خلاصه اینکه، علماء در مورد محدوده مسجد الحرام و فضیلتی که پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد نماز آنجا خبر داده اند اختلاف نظر دارند، که بنظر می‌رسد رای صحیح این باشد که این فزونی در ثواب فقط مختص مسجد کعبه باشد نه خود شهر مکه، بنابراین با تمام صراحت گفته میتوانیم که نماز خواندن در هتل شهر مکه فضیلت مسجد الحرام را دراع شده نمیتواند.

محل و فضیلت نماز در آن

محدوده مسجد الحرام :

علماء در مورد محدوده مسجد الحرام اقوال متعددی را ارائه داشته اند که قول عمده آن بشرح ذیل میباشد :

اول : مسجد الحرام همان کعبه است.

دوم : کعبه و اطراف آن.

به دلیل این فرموده خداوند: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» (اسراء - 1). یعنی: منزه است آن (خدایی) که بندهاش را شبانگاهی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی که پیرامون آن را برکت داده ایم سیر داد تا از نشانه‌های خود به او بنمایانیم که او همان شنوای بیناست. در اینجا منظور نفس مسجد یعنی کعبه و اطراف آن است.

یادداشت توضیحی :

در اینجا لازم میدانم توضیحاتی مختصری را خدمت خوانندگان محترم در مورد (آیه : 1 سوره اسراء) ارائه بدارم ، زیرا تعدادی از مفسرین بدین عقیده اند که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از مکه و از خانه ام‌هانی (رضی الله عنها) به اسراء برده شد.

در جواب این تعداد مفسرین باید که تفسیر دقیق این آیه : « سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى » (پاك است ذاتی که بندهاش را شب هنگام از مسجد الحرام به مسجد الاقصی برد) بشرح ذیل میباشد .

در روایتی از صحیح بخاری به اثبات رسیده که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از مقام حجر به اسراء برده شد : « بَيْنَا أَنَا نَائِمٌ فِي الْحِجْرِ أَنَا فِي آتٍ » « در آن هنگام که در» حجر « خواب بودم کسی به نزد آمد...» و حجر داخل مسجد الحرام است.

بنابراین منظور از حدیثی که در آن اسرای پیامبر از خانه‌ی ام‌هانی (رضی الله عنها) ذکر شده، در صورت صحت این روایت ، ابتدای اسراء است که انتهای آن از حجر شروع شده است؛ گویا ایشان در خانه‌ی ام‌هانی از خواب بیدار کرده شد و سپس در حجر به خواب رفته و از آنجا به اسراء برده شده است. (برای معلومات مزید مراجعه شود : مجموع فتاوا و رسائی شیخ ابن عثیمین)(12/395) .

سوم : کل شهر مکه است :

به دلیل این فرموده خداوند: « لَقَدْ صَدَقَ اللهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ » (سوره فتح آیه 27). یعنی: (حقیقتاً خدا رؤیای پیامبر خود را تحقق بخشید شما بدون شك به خواست خدا در مسجد الحرام وارد خواهید شد.)

چهارم : تمام حرم، جایی که صید در آن حرام است :

به دلیل آیه مبارکه که میفرماید : « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ » (سوره توبه - 28). یعنی: ای کسانی که ایمان آورده‌اید براستی که مشرکان ناپاکند پس نباید به مسجد الحرام نزدیک شوند.

در این میان امام نووی و ابن مفلح و ابن حجر هیتمی و ابن عثیمین رحمهم الله گفته اند که مراد از مسجد الحرام، همان مسجد کعبه است نه شهر مکه یا تمام حرم مکی.

ولی جمهور علمای امام صاحب ابوحنفیه ، امام مالک ، امام شافعی و امام ابن قیم و هیئت دائمی افتا در سعودی و شیخ ابن باز رحمه الله گفته اند که مراد از مسجد الحرام، کل حرم (قسمتی از مکه که صید کردن در آنجا حرام است) می باشد.

اما آنچه که از جمع بین احادیث ظاهر می شود، اینست که مراد از مسجد الحرام در حدیث نبوی، مسجد کعبه است، چرا که در احادیث دیگری که به ثبوت رسیده اند، بجای مسجد الحرام، لفظ مسجد

محل و فضیلت نماز در آن

کعبه آمده است، چنانکه در حدیثی امام مسلم از ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده که گفت: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: إِنَّمَا يَسَافِرُ إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ مَسْجِدِ الْكَعْبَةِ وَمَسْجِدِي وَمَسْجِدِ إِبِلْيَاءَ». صحیح مسلم (1397). یعنی: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «براستی که (فقط) به سوی سه مسجد سفر می شود (مسافرت به قصد زیارت به سوی سه مسجد رواست): مسجد کعبه و مسجد من (مسجدالنبی) و مسجد ایلپاء (مسجدالاقصی).

همچنین از ابن عباس رضی الله عنه روایت شده است که او گفت: «إِنَّ امْرَأَةً اشْتَكَتْ شَكْوَى فَقَالَتْ: إِنَّ شَفَائِي اللَّهُ لِأَخْرَجَنِّي فَلَأَصَلِّيَنَّ فِي بَيْتِ الْمَقْدِسِ، فَبَرَأَتْ ثُمَّ تَجَهَّزَتْ تُرِيدُ الْخُرُوجَ فَجَاءَتْ مَيْمُونَةَ زَوْجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَسَلِّمُ عَلَيْهَا فَأَخْبَرَتْهَا ذَلِكَ، فَقَالَتْ: أَجْلِسِي فَكُلِّي مَا صَنَعْتُ، وَصَلِّي فِي مَسْجِدِ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: (صَلَاةٌ فِيهِ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ صَلَاةٍ فِيمَا سِوَاهُ مِنَ الْمَسَاجِدِ إِلَّا مَسْجِدَ الْكَعْبَةِ) صحیح مسلم (1396).

یعنی: زنی شکوه می کرد و گفت: اگر خداوند مرا شفا دهد به سوی بیت المقدس خواهیم رفت و در آنجا نماز می خوانم، پس زن از مریضیش بهبود یابد، سپس خود را آماده ساخت تا به سوی مسجد الاقصی برود، میمونه همسر پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد و بر آن زن سلام نمود و زن ماجرای خروجش را برای میمونه بازگو کرد، میمونه گفت: همین جا بنشین (بمان) و در مسجد رسول الله صلی الله علیه وسلم نماز بخوان، زیرا من از رسول خدا صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمود: «نماز در آن از هزار بار نماز در مساجد دیگر افضلتر است بجز مسجد کعبه». در این دو حدیث چنین برداشت می شود که مراد از مسجدالحرام، مسجدی است که کعبه در داخل آن قرار گرفته است نه عموم شهر مکه یا عموم حرم مکی. و از شیخ ابن عثیمین رحمه الله سوال می شود: آیا مساجد داخل شهر مکه دارای همان ثوابی هستند که مسجدالحرام دارد؟

ایشان پاسخ می دهند: « خیر، ثواب و اجر (نماز) مساجد مکه همانند مسجدالحرام نیست، بلکه این افزایش ثواب (نماز) فقط مختص خود مسجدالحرام است، چه محدوده قدیمی مسجد و چه قسمتی که به آن اضافه شده است، به دلیل فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم: « صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي هَذَا أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ صَلَاةٍ فِيمَا سِوَاهُ إِلَّا مَسْجِدَ الْكَعْبَةِ ». أخرجه مسلم، یعنی: نماز خواندن در مسجد من، هزار بار بهتر از نماز خواندن در سایر مساجد است بجز مسجد الحرام.

پس (پیامبر صلی الله علیه وسلم) این فضل را خاص مسجد کعبه نمود، و مسجد کعبه تنها و واحد است، چنانکه فضیلتی که نماز خواندن در مسجد الرسول علیه الصلاة والسلام وجود دارد مخصوص آن (مسجد) است، و همچنین این فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز بر همین موضوع دلالت دارد که فرمود: « لا تشد الرحال إلا إلى ثلاثة مساجد: المسجد الحرام، ومسجدي هذا، والمسجد الأقصى) یعنی: رخت سفر نبندید مگر برای زیارت سه مسجد: مسجد الحرام، مسجد النبی، مسجد الاقصی. و معلوم است که اگر ما خود را آماده ی سفر به مسجدی از مساجد مکه غیر از مسجدالحرام نماییم، عمل ما مشروع نخواهد بود بلکه از آن نهی شده است، پس مسجدی که سفر کردن به سوی آن جایز باشد همان مسجدی است که (ثواب نماز) در آن فزونی می یابد،

فضیلت نماز خواندن در مسجدالحرام:

شهر مدینه از جمله سایر فضایی که دارا میباشد یکی از فضایل اش اینست، که یک نماز در مسجد نبوی بهتر از هزار نماز است .

« صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي هَذَا أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ صَلَاةٍ فِي مَا سِوَاهِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ » (يك نماز در این مسجد من بهتر از هزار نماز در غیر آن است به جز مسجد الحرام). (صحیح بخاری و صحیح مسلم).

پس بر یک مسلمان است که از این فضیلت بزرگ و فرصت بسیار ارزشمندی که در زندگی اش

محل و فضیلت نماز در آن

میسر میگردد، زمانیکه در شهر مدینه منوره زندگی ویا هم اقامت دارد، برای آخرتش از آن بهره بگیرد و حد اکثر استفاده را بعمل آورد. توجه باید داشت که فضیلت نماز نه ده برابر و نه صد برابر بلکه بیش از هزار برابر است.

نمازهای نوافل در مسجدنبوی :

فراموش نباید کرد که : نه تنها فضیلت نماز های فرضی بلکه فضیلت نماز های نفلی نیز به هزار بار برابر است . علماء در تعریف و تفسیر این حدیث شریف که : (يك نماز در این مسجد من بهتر از هزار نماز در غیر آن است به جز مسجد الحرام) چنین میفرمایند :

اول:

اجر و پاداش نماز در مسجد شریف نبوی که به بیش از هزار برابر می رسد ، تنها و تنها به نماز های فرضی اختصاص نه یافته ، بلکه نماز های نفلی را نیز شامل میگردد . پیامبر صلی الله علیه و سلم در حدیث متبرکه لفظ «صلاة» را استعمال نموده است ، پس همانطوریکه نماز فرض برابر با هزار نماز است يك نماز نفل نیز برابر با هزار نماز میباشد .

دوم:

اجر هزار برابر در حدیث متذکره به خود مسجد پیامبر صلی الله علیه وسلم یعنی صرف و صرف به مسجد قدیم اختصاص ندارد، بلکه اجر هزار برابر شامل مسجد قدیم و ساحه توسعه یافته مسجد که حالا وجود دارد و یادار آینده توسعه داده میشود ، شامل میگردد .

دلیل این امر اینست که مسجد نبوی در زمان خلافت حضرت عمر و حضرت عثمان از طرف جلو یعنی قبله توسعه و انکشاف داده شده است .

بنابر این چیز واضح است که امام و صفهائی مصلین در بخش پیشروی مسجد که در توسعه واقع است خارج مسجد زمان خود حضرت محمد صلی الله علیه و سلم قرار میگیرد، اگر توسعه مسجد حکم مسجد را نمی داشت آن دو خلیفه راشد رضی الله عنهما مسجد شریف را بخصوص از طرف جلو توسعه نمی دادند، در حالیکه هنگام توسعه که در زمان حضرت عمر فاروق و حضرت عثمان ذی النورین رضی الله عنهما صورت پذیرفت و تعداد کثیر از صحابه رضی الله عنهم زنده و موجود بودند، اما هیچکس از آنان بر این کار حضرت عمر و حضرت عثمان رضی الله عنهما اعتراض نکرد ، عدم اعتراض صحابه بر توسعه مسجد نبوی دلیل روشن و قاطع است که اجر هزار برابر به مسجد زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم اختصاص ندارد .

همچنان در حدیثی عطاء بن ابي رباح آمده است :

در یکی از روز ها که در بین ما عبدالله ابن زبیر نیز تشریف داشت ، و برایمان خطبه می خواند گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «صلاة في مسجدی هذا أفضل من ألف صلاة فيما سواه إلا المسجد الحرام ، وصلاة في المسجد الحرام تفضل بمائة» یعنی: نماز خواندن در مسجد من (مسجد النبوی)، هزار بار بهتر از نماز خواندن در سایر مساجد است بجز مسجد الحرام، و فضیلت نماز در مسجد الحرام صد برابر بیشتر (از مسجد من) است.

عطا گفت: پس صد هزار بار (بیشتر) است، سپس عطا گفت: (به ابن زبیر) گفتیم: ای ابا محمد، این فضلی که ذکر شده تنها مربوط به مسجد الحرام است یا حرم (نیز شامل می شود)؟ (ابن زبیر) گفت: بلکه مربوط به حرم نیز است، زیرا تمام حرم مسجد است. (الموسوعة الفقهية 239/27).

نماز خواندن در مسجدی که با قبله انحراف داشته باشد.

به تأسف باید گفت امروز در تعدادی از کشور های اسلامی بادر نظر داشت اینکه تخنیک و وسایل پیشرفته ای در اختیار دارند ، با آنها طوری اتفاق می افتاد که مسلمانان توجه لازمی در تعیین قبله و بخصوص منبر مسجد که باید بسوی قبله باشد بعمل نمی اورند ، در حالیکه یکی از شروط صحت نماز، روبه سوی قبله حین انجام عبادت نماز است. یعنی چنانکه مسلمانی این شرط را

محل و فضیلت نماز در آن

رعایت نکند، نمازش باطل است.

مگر اینکه شخص در مکانی غریب و نا آشنا مثل صحرا یا بیابانی قرار داشته باشد و کسی نباشد تا جهت قبله را به او نشان دهد که در آنصورت کفایت خود اجتهاد کند و مسیر قبله را شناسایی نماید و رو به آنجا نماز بخواند هرچند که سمت قبله را اشتباه شناسایی کرده باشد نمازش صحیح است زیرا او در آن وقت و مکان معذور بوده و نمی توانسته تا سمت واقعی قبله را شناسایی کند و لذا عمدی نبوده.

دلیل اینکه رو کردن به قبله حین نماز شرط واجبی است:

این امر خداوند تبارک و تعالی است که می فرماید: «فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ حَيْثُمَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ» (سوره بقره : 150) (واز هر جا که بیرون رفتی) رو به سوی مسجدالحرام کن و (ای مؤمنان چه در سفر و چه در حضر در همه اقطار زمین به هنگام نماز) هر جا که بودید رویه سوی آن کنید.

هكذا پیامبر صلی الله علیه وسلم به مردی که نمازش را بطور درست نمی خواند (مسی الصلاة) فرمود: « إذا قمت إلى الصلاة فأسبغ الوضوء ثم استقبل القبلة ... الحديث) «هرگاه خواستی نماز بخوانی به خوبی وضوء بگیر سپس رو به قبله کن...». متفق علیه: بخاری (6251)، مسلم (397).

بنابراین بوضاحت تام در یافتیم که حکم قرآن عظیم الشان و هم حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم دلالت بر امر در این بابت دارد، یعنی رو کردن به قبله در هنگام نماز واجب است، بنابراین کسی که این واجب را بجا نیاورد نمازش باطل است مگر اینکه همانطور که گفته شد شخص در بیابان یا صحرائی باشد که توانایی یافتن سمت واقعی قبله را نداشته باشد و اگر کسی برای پیدا کردن قبله تلاش کرد و نمازش را به جهتی که به گمانش قبله بود خواند و بعداً برایش روشن شد که (در پیدا کردن قبله) دچار اشتباه شده است، تکرار نماز بر او لازم نیست:

از عامر بن ربیع روایت است: «كنا مع النبي صلى الله عليه وسلم في سفر في ليلة مظلمة، فلم ندر أين القبلة فصلى كل رجل منا على حiale، فلما أصبحنا ذكرنا ذلك لرسول الله صلى الله عليه وسلم، فنزل (فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَتَمَّ وَجْهَ اللَّهِ) «در شبی بسیار تاریک با پیامبر صلی الله علیه وسلم در سفری بودیم و نمی دانستیم قبله کجاست، هر یک از ما به جهتی نماز خواند، وقتی صبح شد جریان را برای پیامبر صلی الله علیه وسلم گفتیم. آنگاه آیه « فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَتَمَّ وَجْهَ اللَّهِ » (به هر جا رو کنید قبله خدا آنجاست» نازل شد). ترمذی (343).

البته علاوه بر این استثنا، هنگام ترس شدید، و یا خواندن نماز سنت بر سواری در سفر، اشکالی ندارد که استقبال قبله ترک شود: زیرا خداوند متعال می فرماید: « فَأِنْ خِفْتُمْ فَرَجَالًا أَوْ رُكْبَانًا » (سوره بقره : 239) «و اگر (بخاطر جنگ یا خطر دیگری) ترسیدید در حالت پیاده یا سواره نماز را بخوانید».

ابن عمر درباره این آیه می فرماید:

« رَجَالًا أَوْ رُكْبَانًا » یعنی رو به قبله یا رو به غیرقبله، نافع گوید: ابن عمر حتماً آن را از پیامبر صلی الله علیه وسلم نقل کرده است. (بخاری (4535).

از ابن عمر روایت است: « كان النبي صلى الله عليه وسلم يسبح على راحلته قبل أي وجه توجه، ويوتر عليها غير أنه لا يصلي ليها المكتوبة» (پیامبر صلی الله علیه وسلم بر شترش به هر سویی که روی آن بود، نفل و وتر می خواند. البته فرایض را بر روی سواری نمی خواند). (متفق علیه). اما چنانکه سمت مسجد با سمت قبله انحراف اندکی داشته باشد (حداکثر 45 درجه)، در اینصورت بر اساس اقوال فقها این انحراف ضرری به نماز وارد نمی سازد و نماز نمازگزاران صحیح است. ولی اگر انحراف زیاد باشد در اینصورت نماز صحیح نیست زیرا شرط صحت نماز همسو شدن با جهت قبله است. و باید دانست که هرچه فاصله ی شهر محل اقامت نمازگزار با مکه بیشتر باشد به

محل و فضیلت نماز در آن

همان اندازه نیز انحراف بیشتر باعث تغییر سمت بیشتر خواهد شد. مثلا کسانی که خارج از مکه و در شمال یا جنوب آن قرار دارند چنانکه انحراف آنها به قدری باشد که استقبال آنها در نهایت به جهت مشرق یا مغرب تغییر مسیر کرده باشد، نمازشان صحیح نیست. عبارتی کسی که در مکه است و کعبه را مشاهده می‌کند، بروی واجب است که دقیقا رو به کعبه بایستد، اما کسی که نمی‌تواند کعبه را مشاهده کند، بروی واجب است که رو به جهت آن کند و عین آن واجب نیست، زیرا بیش از آن برایش مقدور نیست و خداوند هر کس را باندازه توانایش مکلف می‌سازد.

از حضرت ابوهریره روایت شده که: پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: «ما بین المشرق والمغرب قبلة» یعنی: (بین مشرق و مغرب قبله است و قتیکه روسوی مسجدالحرام است، بین مشرق و مغرب قبله است). ابن ماجه و ترمذی آن را روایت کرده‌اند، و او آن را حسن و صحیح دانسته است. و بخاری نیز آن را قرائت نموده است. البته این کیفیت استقبال قبله که بیان شد، نسبت به ساکنین مدینه و مناطقی که حکم آنجا را دارد. بنابراین اگر نماز گزاران منبر مسجد را در خلاف زاویه قبله تثبیت نمایند بر مسؤولین امور است تا در اصلاح منبر مسجد اقدام فرمایند.

حکم شرعی طوریکه در فوق بیان گردید همین است: نماز گزار مادامیکه جهت قبله را می‌داند یا در یافتن سمت واقعی آن تواناست، بروی واجب است که به سوی قبله نماز بخواند و گرنه بریء الذمه نخواهد بود.

نماز خواندن در محل که تصاویر باشد!

همه ای علماء، فقها و مفسرین در این مورد متفق الری اند که: در جای که تصاویر (موجودات ذی روح) موجود و یا آویزان باشند، خواندن نماز، در آن محل مکروه میباشد. ولی با وجود آن هم خللی در صحت نماز وارد نمی‌میگردد.

هدف شرع از محل نماز آنست که نباید در محل نماز، اشیا و تصاویر وجود داشته که حضور نماز گزار را اخلال کند و موجب اضطرابات روانی انسان و سبب عدم تمرکز اش در عبادتش گردد و در حکمت و هدف نماز خلل واقع گردد.

پیامبر صلی الله علیه و سلم بخاطر اینکه نماز با خشوع کامل ادا گردد هدایت فرموده اند که چیز های که مانع از خشوع و یا همه چیز های رنگارنگ و پرزرق و برق و امثال آنها در مکان نماز که فکر نماز گزار را به خود مشغول میسازد حتی الامکان باید کوشید تا از محل نماز دور گردد.

بر همین حکمت بود که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: «لَا يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ فِي الْبَيْتِ شَيْءٌ يَشْغَلُ الْمُصَلِّيَّ». «نبايد در خانه چیزی باشد که نماز گزار را به خود مشغول سازد». (ابوداود و احمد با سند صحیح و در صحیح ابی داود (1771)).

محدثین مینویسند: زمانیکه پیامبر صلی الله علیه و سلم بعد از اینکه مکه را فتح کرد، و وارد کعبه شد تا نماز بخواند دو شاخ قوچ بر سر بام کعبه نصب گردیده بود، بعد از فراغت از نماز به عثمان حجبی گفت: «إني نسيت أن أمرک أن تخمر القرنين فإنه ليس ينبغی أن يكون في البيت شيء يشغل المصلی» فراموش کردم بگویم این دو شاخ را بپوشانید، زیرا درست نیست در خانه چیزی باشد و نماز گزار را به خود مشغول کند. (ابو داود (2030) و در صحیح الجامع (2504)).

شیخ عبدالله بن حمید یکی از علمای مشهور جهان اسلام در مورد « نماز خواندن در مکانی که در آن تصاویر و عکس ها وجود دارند و با پاهای شما مورد اهانت قرار می‌گیرند، مثلا تصاویری که بر روی فرش نقش شده اند، میگوید، این مساله کدام، مشکلی ندارد چنانکه شیخ الاسلام ابن تیمیه نیز بر جواز بودن آن رای فرموده است، ولی اگر تصاویر روبروی شخص نماز گزار قرار گیرد، در این صورت نماز خواندن در چنین وضعیتی مکروه است، ولی نماز اش إن شاء الله صحیح است و طوریکه در فوق بدان اشاره نمودیم خللی بر صحت آن وارد نمی‌سازد.

محل و فضیلت نماز در آن

بنأ در صورتیکه برای نماز گزار مقدور و ممکن باشد که نماز خویش را در محل دیگری که روپروی تصاویری نباشد، ادا نماید بهتر و افضل میباشد. ولی اگر با آنهم چنین محل و مکانی یافت نشود، و انسان در آنجا نماز بخواند نماز اش صحیح است و اشکالی بر آن نمی باشد. (برای معلومات بیشتر مراجعه شود به: (فتاوی سماحة الشیخ عبد الله بن حمید - ۹۱) (رقم الفتوی فی مصدرها: ۸۹). همچنین شیخ ابن باز رحمه الله مفتی کشور عربستان سعودی در طی فتوای که: آیا نماز خواندن در مکانهایی که تصاویر دارند و شخص روپروی آنهاست باعث ابطال نماز است یا خیر؟، مینویسد: «نماز صحیح است، و کسی که بگوید نماز باطل است برآستی که قول اشتباهی گفته است، پس نماز صحیح است ولی نماز در چنین حجره هایی مادامیکه مکان دیگری برای نماز خواندن موجود باشد، مکروه است و اگر یافت نشود نماز صحیح است زیرا هدف نماز گزار عبادت برای تصاویر نی بلکه مؤمنین مسلمان نماز خویش را برای الله تعالی بر پا میدارد، و نماز اش صحیح میباشد. (مواخذ: مجموع الفتاوی ابن باز).

عدم حضور ملائکه در خانه که در آن تصویر باشد:

در تعداد زیادی از احادیثی آمده است که: موجودیت تصاویر انسان و حیوان در یک خانه، مانع ورود ملائکه به آن منزل میگردد، از جمله طوریکه در حدیث صحیح از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «أَنَّ الْمَلَائِكَةَ لَا تَدْخُلُ بَيْتًا فِيهِ تَمَاثِيلٌ، أَوْ صُورَةٌ» مسند احمد (11858). یعنی: «ملائکه به خانه ای که در آن تمثال (مجسمه) یا تصویر باشد داخل نخواهند شد».

بنأ مطابق حکم این حدیثی اگر قرار باشد که بخاطر تزئین خانه، تصاویری آویزان گردد، بهتر است از مناظر غیر ذی روح مثل مناظر طبیعی مانند مناظر درختان، کوهها و دریاها ویا هم سایر رسومات استفاده بعمل آید، در صورتیکه این تابلو ذی قیمت نباشد واز اسراف باید جلوگیری شود. ولی بایدگفت که: آویزان کردن تصاویر ذی روح (یعنی انسان و حیوان که دارای روح هستند) در خانه یا هر مکان دیگری مانع از ورود ملائکه مامور ثبت اعمال انسان نمیگردد، و منظور حکم حدیثی: (از ملائکه ای که داخل چنین اماکنی نمی شوند، ملائکه رحمت هستند نه دیگر فرشتگان). امام نووی در شرح حدیث فوق گفته: «علماء گفتند: سبب امتناع آنها از وارد شدن به خانه ای که تصویر دارد بخاطر معصیت فاحشی است که در آن (مکان) روی می دهد، که به خلقت خداوندی مشابهت کردند، و حتی بعضی از آنها تصویر چیزی است که مورد عبادت قرار می گیرد. اما آن ملائکه، که داخل منزلی نمی شوند که در آن سگ یا تصویر دارد، در واقع ملائکه ای هستند (که برای) رحمت و دعا و استغفار (بندگان خدا) در حال گردش هستند، ولی ملائکه مامور ثبت اعمال انسان داخل هر خانه ای می شوند، و در هیچ شرایطی از بنی آدم جدا نخواهند شد، زیرا آنها مسئول ثبت اعمال انسانها هستند» (شرح مسلم (84/14)).

شیخ عبد الرحمن مبارکفوری صاحب در «تحفة الأحوذی» (72/8) مینویسد: (لَا تَدْخُلُ الْمَلَائِكَةُ) یعنی ملائکه رحمت داخل نمی شوند نه ملائکه مامور ثبت اعمال انسان، و نه ملائکه مرگ». همچنین امام ابن اثیر در «النهاية» (789/4) مینویسد: «منظور ملائکه ای هستند که (در زمین) در حال گردش اند، نه ملائکه مامور ثبت اعمال و یا ملائکه ای که در هنگام مرگ آدمی حاضر خواهند شد».

و امام سیوطی می گوید: «خطابی گفته: منظور آن ملائکه ای هستند که برای رحمت و برکت (بر ساکنان روی زمین) نازل می شوند، نه ملائکه مامور ثبت اعمال» «شرح النسائی» (141/1).
یادداشت:

علما عمیقتر مایند تصاویری مانع از دخول ملائکه رحمت در خانه می شوند که آن تصاویر مورد احترام قرار می گیرند، مثل تصاویر نصب شده بر در و دیوار یا قاب و یا پرده و تابلو فرش و امثال آنها، و یا تندیس و مجسمه ای که بقصد زیبایی یا دکور نگهداری می شوند.

محل و فضیلت نماز در آن

شیخ ابن باز می گوید :

«.. اما اگر تصویر بر فرش زیر پا باشد، یا بر روی بالش و تختی که روی آن می نشینند باشد، و یا بر پشتی باشد، این تصاویر بلا مانع هستند، زیرا تصاویر آن مورد اهانت و بی احترامی قرار می گیرند، و (در حدیث) ثابت شده که پیامبر صلی الله علیه وسلم پرده ای را (بر در حجره) عایشه دید که بر آن تصاویری وجود داشت، خشمگین شد و دستور داد آنرا بردارد، عایشه رضی الله عنها نیز آن پرده را برکند و از آن دو بالش تهیه کرد که پیامبر علیه الصلاة والسلام بر آن تکیه می داد..»
«فتاوی نور علی الدرب» (235/1، 236).

همچنان شیخ ابن عثیمین در این مورد میفرماید: «تصویر هرگاه مورد اهانت و بی حرمتی قرار می گیرد، چه (تصویر) روی فرش باشد و یا بالش و پشتی، اکثر علماء گفتند که (این نوع) جایزند، و بر این اساس مانع ورود ملانکه به آن مکان نمی شوند، زیرا اگر مانع می شد (این نوع تصاویر نیز) ممنوع می شد» (لقاء الباب المفتوح) (6/85).

نماز خواندن در لباس عکس دار:

همه علماء بدین عقیده اند که اگر لباس نماز گزار دارای عکس واضح و مشخص باشد نماز در آن ناجایز است. مؤمن مسلمان حد اعظمی کوشش بعمل آرد تا از استعمال کردن لباس عکس دار در نماز جلوگیری نماید.

در حدیث شریف با تمام وضاحت ذکر گردیده است: «لا يجوز لبس ما فيه صورة حيوان أو إنسان» (در لباس که عکس حیوان و انسان باشد، خواندن نماز در آن جواز ندارد) (امام بخاری شماره حدیث (3226) و مسلم (2106)).

همچنان در احادیث نبوی آمده است که اگر در پرده ای خانه که تصاویر ذی روح وجود داشته باشد بهتر است غرض جلوگیری و دفع وسواس شیطانی در این محل نماز خوانده نشود. طوریکه این موضوع در حدیثی که از حضرت انس (رضی الله عنه) روایت گردیده است با زیبایی خاصی چنین بیان گردیده است:

میگویند: حضرت بی بی عا ئیشه (رضی الله عنها) پرده ای ملونی داشت، که به آن یک طرف خانه اش را پرده میکرد، پیامبر صلی الله علیه وسلم (برایش) گفتند: «أَمِيطِي عَنَّا قِرَامَكَ هَذَا، فَإِنَّهُ لَا تَرَالُ تَصَاوِيرُهُ تَعْرِضُ فِي صَلَاتِي» «این پرده ات را از جلوی چشم ما دور کن، زیرا تصاویرش مرا در نماز مشغول می کند». بخاری (374).

عالم شهیر جهان اسلام، شیخ ابن جبرین، در رساله خویش بنام اللؤلؤ المکین، صفحه (۱۱۴) مینویسد: بر مسلمان واجب است، در صورت تیکه بر لباس اش عکس (ذی الارواح) باشد، آن را شسته و پاک نماید و در صورتیکه غیر ممکن باشد باید چهره ای عکس را به وسیله ای مواد زایل واز بین ببرد. مسلمان نباید در نماز از لباس استفاده نماید که: حواس انسان را به خود مشغول می کند. طوریکه در حدیثی که از عایشه (رضی الله عنها) روایت شده است، آمده است که: پیامبر (صلی الله علیه وسلم) در لباسی که دارای نقش و نگار بود، نماز خواند و نظرش به نقشهای آن افتاد، پس از اتمام نماز، فرمود:

«أَذْهَبُوا بِخَمِيصَتِي هَذِهِ إِلَى أَبِي جَهْمٍ، وَأَتُونِي بِأَنْبِجَانِيَةِ أَبِي جَهْمٍ، فَإِنَّهَا أَلْهَتْنِي أَنْفًا عَنْ صَلَاتِي» «این لباس را برای ابی جهم ببرید و لباس زیر و بی نقش و نگار او را برایم بیاورید؛ چون لحظه ای پیش این نقش و نگارها، توجه مرا از نماز، بسوی خود جلب کرد». (امام بخاری (۳۷۳)).

نماز خواندن در محل ناپاک:

همانطوریکه گفته شد، نماز بر هر مسلمان عاقل و بالغی واجب است و تحت هیچ شرایطی از ذیمه ساقط نمیشود.

برای آنکه نماز نمازگزار مقبول واقع گردد، باید جای، محل و مکان نماز، بدن نمازگزار و لباسش نمازگزار از نجاسات پاک باشد و در غیر آن نمازش صحیح نمیشود.

محل و فضیلت نماز در آن

ولی اگر انسان در حالات و مکانی قرار داشت که امکان پاک کردن نجاست برایش مقدور نباشد ، در آنصورت باز هم نماز از ذمه شخص ساقط نمی شود و او می تواند حتی در چنین وضعیتی نیز نماز خود را بجا آورد ، زیرا او چاره ای ندارد و توانایی از بین بردن نجاست هم در مقدور او نیست ، الله تعالی می فرماید: « لَا يَكْفُرُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وَسَعَهَا » (بقره 286) یعنی: خداوند هیچ کس را، جز به اندازه توانایش، تکلیف نمی کند. و همچنان در (سوره تغابن آیه متبرکه می فرماید: « فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ ») یعنی: پس تا می توانید تقوای الهی پیشه کنید.

نماز خواندن در مکان ناهموار:

علماء بدین باور و عقیده اند در صورتیکه محل و مکانی برای خواندن نماز در مکان هموار و صاف میسر نباشد، نمازگزار میتواند نماز خویش را در مکان شیب دار و یا غیر هموار بجا آورد ، و در شرع اسلامی هیچگونه ممانعتی در مورد دیده نمیشود . ولی توجه باید داشت که در خواندن نماز در محل ناهموار باید دقت صورت گیرد که توجه نمازگزار به هیچ صورت نباید از قبله ساقط گردد. زیر حکم پروردگار است که توجه نماز گزار باید در حین نماز بسوی قبله باشد : « قَوْلٍ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ حَيْثُمَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ » (سوره بقره : 150) «(واز هر جا که بیرون رفتی) رو به سوی مسجدالحرام کن و (ای مؤمنان چه در سفر و چه در حضر در همه اقطار زمین به هنگام نماز) هر جا که بودید رو به سوی آن کنید».

نماز خواندن بطور نشسته :

در این هیچ جای شک نیست ، شخص که دارای معذرت باشد و از لحاظ جسم ناتوان گردد، خواندن نماز برایش بطور نشسته جایز میباشد . حکم شرعی همین است که : در زمان خستگی، مشقت و رنج به سبب مریضی یا در ایام پیری و یا در حالتی که به قیام خواندن در مریضی نمازگزار تزیید بعمل آید ، شخص میتواند نماز خویش را با حالت نشسته بخواند و نماز اش کامل میشود . در این مورد هدایت صریح پیامبر صلی الله علیه وسلم همین است که : « صَلَّى قَائِمًا فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَقَاعِدًا فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَعَلَى جَنْبٍ » بخاری (1117) (ایستاده نماز بخوان، اگر نتوانستی بنشین و اگر نتوانستی بر پهلو نماز بخوان). همچنان الله تعالی فرموده است: « فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ » (سوره تغابن 16) «تا می توانید از الله بترسید.»

ولی میخوایم در این مبحث توجه خوانندگان محترم را بدین موضوع جلب نمایم که: در نماز های نفلی شخص با وجود توانایی بر ایستادن، میتواند نماز نفلی را نشسته نیز ادا نماید ، ولی باید دانست که ثواب آن نصف ایستاده خواهد بود. به دلیل حدیث «صَلَاةُ الْقَاعِدِ عَلَى النِّصْفِ مِنْ صَلَاةِ الْقَائِمِ» بخاری، (1115، 1116) (ثواب نماز نشسته نصف نماز ایستاده است). علماء میفرمایند منظور از این نماز، نماز نفل است. (والله اعلم) (تفصیل موضوع را میتوان در جامع الفتاوی الطیبیة صفحه (331) شیخ ابن جبرین مطالعه فرماید)

نماز خواندن در موتر:

قبل از همه باید گفت که : خواندن نماز های فرضی زمانیکه انسان در موتر سوار و مصروف مسافرت باشد جایز نمیشود. (مسافرت در کشتی و طیاره شامل این حکم نیست) . ولی نماز های سنت و نوافل از این حکم مستثنی است . این بدین معنی است که : نماز گزار در حال مسافرت در رفتار موتر میتواند ، نماز های سنت و نوافل خویش را در موتر بخواند و خواندن آن کدام ممانعت شرعی نداشته و جایز میباشد. ولی در مورد خواندن نماز های فرضی در موتر ، حکم و دستور شرع همین است که :مسلمان در

محل و فضیلت نماز در آن

وقت نماز البته در صورت ممکن از موتر پیاده شود، و نماز فرضی خویش را بجا آورد، در غیر آن نماز اش در حال مسافرت در موتر باطل است و بمانند آنست که نماز از نزدش فوت گردیده باشید. در این مورد به حدیث روایت شده از جابر ابن عبد الله رضی الله عنه مراجعه مینمایم: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى رَاحِلَتِهِ حَيْثُ تَوَجَّهَتْ. فَإِذَا أَرَادَ الْفَرِيضَةَ، نَزَلَ فَاسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ.» (بخاری: 400). یعنی: رسول الله صلی الله علیه وسلم نوافل را بر پشت مرکب و به هر طرفی که آن می رفت، می خواند. اما هنگامی که می خواست نماز فرض بخواند، پیاده میشد و رو به قبله، نماز می خواند.

همچنان در حدیثی آمده است: پیامبر فقط نمازهای فرض را بر روی شترش نمی خواند (متفق علیه، بخاری (999-1000-1095-1096-1105-1098)، مسلم (700)).

بنابراین از حکم این حدیث بصورت واضح بر می آید که اگر نماز گزار در حال سوار موتر باشد، و وقت نماز فرا رسد در صورت ممکن از موتر پیاده شود، نماز خویش را بجا آورد.

چرا میتوان در کشتی و طیاره نماز فرض را خواند؟

محدثین مینویسند که روزی از پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد نماز خواندن در کشتی، سؤال شد؟ فرمود: «صَلِّ فِيهَا قَائِماً إِلَّا أَنْ تَخَافَ الْغَرَقَ» (روایت دارقطنی و حاکم) (ایستاده نماز بخوان مگر اینکه خطر غرق شدن وجود داشته باشد). که این حدیث دلالت بر جواز نماز خواندن بر روی کشتی دارد و طیاره نیز حکم کشتی را دارد.

از جانب دیگر کشتی و طیاره بر خلاف موتر بر روی زمین حرکت نمی کنند و بلکه در بحر و هوا سیر می نمایند، لذا توقف آنها مقدور نیست تا فرد پیاده شود و نمازش را بر روی زمین بخواند. بدین اساس گفته مینمایم که در شرع خواندن نمازهای فرض در کشتی و طیاره جایز است، ولی طوریکه گفته شد، در موتر و امثال آن جایز نیست، مگر بادر نظر داشت دو شرط ذیل:

1- اختیار موتر در دست او نباشد، بعبارتی او موتر روان نیست و بلکه مسافری است که با موتر و یا سرویس در حال سفر است. و اگر شخص خودش در موتر باشد او موتر توقف دهد و نمازش را بخواند و هیچ عذری در این حالت پذیرفته نیست.

2- اگر کسی که در موتر بسر می برد و در حال رفتن به مقصد است، مطمئن باشد که تا قبل از رسیدن به مقصد، وقت نماز تمام می شود. چنانکه به مقصد برسد ولی هنوز وقت مقرر نماز تمام نشده است، حق ندارد نمازش را در موتر بخواند، بلکه بایستی هر موقع بازگشت نمازش را بخواند. همچنین باید توجه داشت که اگر قبل از سوار شدن به موتر، وقت نماز فرا رسیده است، باید قبل از آنکه سوار اتومبیل شود، نمازش را بخواند و حق ندارد که در ادای نماز کوتاهی کند به این امید که در موتر نمازش را بخواند! (مگر برای نمازهایی که امکان جمع کردن در آنها وجود دارند که بعداً اشاره خواهیم نمود).

چنانکه این دو شرط فراهم باشند، در آنصورت شخص می تواند نماز فرض خود را در موتر بخواند. دلیل آنها آیات زیر هستند: «حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْاَوْسَطَى وَقَوْمُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ (238) فَإِنْ خِفْتُمْ فَرَجَالاً أَوْ رُكْبَاناً فَإِذَا أَمْنْتُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» (بقره / 238-239) «در انجام نمازها و (به ویژه) نماز میانه (نماز عصر) محافظت ورزید و فروتنانه برای خدا به پا خیزید. و اگر (به خاطر جنگ یا خطر دیگری) ترسیدید، پیاده یا سواره نماز بخوانید. اما هنگامی که امنیت خود را باز یافتید (نماز را به صورت معمول آن به جا آورید و) برای آنچه که نمیدانستید و خدا به شما آموخت، خدای را یاد کنید.» «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْساً إِلاَّ وُسْعَهَا» (بقره 286) خداوند هیچ کسی را جز در حد توانش مکلف نمی کند.

چند نکته ی مهم که باید همراه با دو شرط فوق در نظر گرفته شوند:

اگر بعنوان مثال کسی زمانی سوار موتر می شود که هنوز وقت نماز ظهر نرسیده است، و ضمن آنکه شرایط فوق در مورد او صدق می کند، مطمئن است که تا وقت نماز عصر به مقصد نمی رسد،

محل و فضیلت نماز در آن

در آنصورت او نباید نماز ظهر را در موتر بخواند، بلکه باید نماز ظهر را همراه با نماز عصر بصورت جمع تاخیر بخواند، زیرا در این عمل از سوی شرع رخصت و اجازه وجود دارد. یا حالتی را در نظر بگیرید که وقت آذان ظهر رسیده و فرد می خواهد سوار موتر شود، اگر او مطمئن است که تا آذان مغرب به منزل نمی رسد، در اینصورت باید نماز ظهر و عصر را با هم و قبل از سوار شدن به موتر بخواند، یعنی نماز عصر را بصورت جمع تقدیم با نماز ظهر و قبل از سوار شدن بخواند. اما اگر هنوز وقت نماز ظهر نرسیده و سوار موتر شد و مطمئن بود تا مغرب به مقصد نمی رسد، و یا وقت بسیار تنگ بود و احتمال داشت که موتر یا قطار حرکت کند - هرچند آذان ظهر داده شده بود- باز برای او جایز است که نمازهایش را در داخل موتر یا قطار بخواند. اما حالتی دیگر:

فرض کنید شخصی در منزل خود است و نماز ظهرش را خوانده است، بعد قبل از آنکه آذان عصر داده شود ناگهان ناچار می شود که با موتر به مقصدی دیگر برود، و مطمئن است تا مغرب نخواهد رسید، در این حالت، با وجود شرایط فوق الذکر می تواند نماز عصرش را در موتر بخواند. و اگر مطمئن است تا وقت عشاء نمی رسد، در اینصورت او باید نماز عصرش را در داخل موتر بخواند ولی نماز مغرب را به تاخیر بیندازد و هرگاه پیاده شد، مغرب را همراه نماز عشاء بصورت جمع تاخیر بخواند.

نکته ی مهم دیگر:

اگر فرد حائز شروط فوق بود و در موتر بود ولی وضوء نداشت، در این حالت می تواند با خاک تیمم کند و یا اگر خاک در دسترس نیست، کافیسیت تا چند بار دو کف دستش را بر چوکی های موتر بزند تا از گرد و خاک آنها تیمم کند و روش تیمم نیز بصورت زیر است: بعد از آنکه دو کف دستش را با خاک و یا گرد و خاک آغشته کرد، در دستش فوت کرده تا خاک و غبار آن زدوده شوند و بعد با دو دستش ابتدا صورتش و سپس دو کف دستش (پشت و روی آنها) را مسح کند و همین قدر کافیسیت. (تفصیل موضوع در فصل مسح در باب طهارت بیان گردیده است)

نماز خواندن در طیاره وقاعده ای قبله یابی در آن:

طوریکه در فوق یادآور شدیم خواندان نماز در طیاره از لحاظ شرعی جواز داشته، و برای درک ویافتن اوقات نماز، بخاطر اینکه نماز قبل از موعود بجا نیاید، بهتر است در مورد وقت نماز و سمت قبله از موظفین طیاره خواستار کمک کردیم، اگر چه در شرایط امروزی شرکت های هوایی با وسایل مدرن مجهز بوده، و در طول مسافرت، مسافری را از اوقات نماز و سمت قبله مطلع می سازند. با آنها بخاطر اینکه نماز ما در وقت تعیین شده شرعی بر پاگردد، مسافر میتواند به مرعات و عملی کردن قاعده ذیل وقت وادای نماز را بوجه احسن دریابند.

- 1- هر زمانیکه آفتاب غروب کرد، مسافر بدون تشویش میتواند نماز مغرب را بجا آورد.
 - 2- هرگاه بعد از غروب، سرخی کنار آسمان بطور کامل ناپدید شد و رو به تاریکی گرایید، مسافر میتواند نماز عشاء را بخواند.
 - 3- هرگاه فجر صادق طلوع کرد، نماز صبح را قبل از آنکه آفتاب طلوع نماید میتواند ادا کند، و اگر نسبت به فجر صادق تجربه ندارد، هرگاه آسمان بعد از تاریکی شب اندکی به روشنایی گرایید، نماز صبح روا میگردد.
- مسافر در هر سه حالت فوق با استفاده از مشاهداتش نسبت به آسمانی که در حال پرواز در آنست عمل کند، یعنی به آسمان نظر می کند و هرگاه دید آفتاب غروب کامل کرده، نماز مغرب را بخواند و نماز عشاء و صبح را هم بر اساس مشاهداتش از آسمان در حال پرواز تشخیص دهد.
- درضمن اینکه چون مسافر است او می تواند نماز مغرب را با عشاء بصورت جمع تقدیم یا جمع تاخیر بخواند؛ بدین صورت که:

محل و فضیلت نماز در آن

- یا بعد از غروب کامل آفتاب هر دو نماز مغرب و عشاء را با هم جمع کند.
 - یا آنکه با تاریک شدن آسمان نماز مغرب و عشاء را جمع کند.
 برای آنکه اشخاصیکه کمی وسواسی آند، مورد اخیر خوبتر و آسانتر است، یعنی بعد از تاریک شدن آسمان هر دو نماز مغرب و عشاء را با هم جمع کنند، بدینصورت که ابتدا نماز مغرب را سه رکعت بخواند و آنگاه برخیزد و دو رکعت عشاء را قصر کرده و بخواند، که این جمع تأخیر به همراه قصر است.

اما برای نماز ظهر و عصر:

می تواند از طریق اجتهاد و کنجکاوی و بررسی کردن، وقت آن دو نماز را تشخیص دهد، مثلاً هرگاه بداند که نماز ظهر یا عصر در آن شهر یا سرزمینی که طیاره شان، بر فراز آن درحال پرواز است فرا رسیده، در آنصورت مسافر میتواند با کمی تاخیر (تامبادا قبل از وقت باشد) نماز خویش را بجا آورد، زیرا وقت در آسمان و طیاره مثل زمین نیست، از جانب دیگر مسافر میتواند، نماز ظهر و عصر را با هم جمع کند، لذا به آسمان نظر کند ببیند که آیا آفتاب به سمت مغرب متمایل شده است؟ اگر طرف غرب و شرق آسمان را نمی داند، طوریکه قبلاً گفتیم از پرسونل طیاره سوال کند، آنگاه با دانستن اینکه سمت غرب کجاست، می تواند به آسمان نگاه کند که آیا آفتاب به سمت غرب متمایل شده است؟ اگر هنوز در سمت مشرق یا در وسط آسمان بود، نمازی نخواند، ولی اگر به طرف غرب متمایل شده بود، در آنصورت اگر فاصله آن از وسط آسمان نزدیک بود، پس می تواند نماز ظهر را بخواند و اگر خواست نماز عصر را با آن جمع کند بصورت جمع تقدیم - و اگر آفتاب در نزدیک غروب بود، می تواند نماز عصرش را بخواند و اگر قبلاً تصمیم گرفته می تواند ابتدا ظهر بخواند و سپس عصر بخواند، بصورت جمع تأخیر، و هر نماز را دو رکعت بخواند.
یادداشت:

کسی که با تلاش و اجتهاد خویش وقت نماز را تشخیص دهد و نماز بخواند، نمازش صحیح است، مگر آنکه برایش مشخص شود که قبل از وقت نماز خوانده، در اینحالت برخیزد و آنرا تکرار کند، و اگر چیزی برایش مشخص نشد، پس لازم به اجری چیزی نمیشود. والله اعلم (جامع فتاوی اهل سنت و جماعت).

نماز خواندن در مساجد قبردار:

قبل از همه باید گفت اساساً در شرع اسلامی دفن اموات در مساجد جایز نمی باشد و هر مسجدی که در آن قبری وجود داشته باشد، خواندن نماز در آن ناجایز است.
 ولی حکمت و فلسفه موجودیت قبر پیامبر صلی الله علیه و سلم و برخی از یاران ایشان در مسجد نبوی چیست؟

در بدو باید گفت در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و سلم روایت گردیده آمده است: «لَعَنَ اللَّهُ الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ» (الله یهود و نصارا، را لعنت کند، آنها قبرهای انبیای خود را مسجد قرار می دادند).

همچنین در حدیث دیگری از عایشه رضی الله عنها روایت شده است که ام سلمه و ام حبیبه رضی الله عنهما کلیسایی را در سرزمین حبشه دیده بودند برای رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یادآور شدند و عکس هایی که در آن وجود داشت سخن گفتند، رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «أَوْلَيْكَ قَوْمٌ إِذَا مَاتَ فِيهِمُ الْعَبْدُ الصَّالِحُ أَوْ الرَّجُلُ الصَّالِحُ بَنَوْا عَلَى قَبْرِهِ مَسْجِدًا، وَصَوَّرُوا فِيهِ تِلْكَ الصُّورَ؛ أَوْلَيْكَ شِرَارُ الْخَلْقِ عِنْدَ اللَّهِ» (اینها قومی هستند که هرگاه بنده یا مرد صالحی از میانشان فوت می کرد بر قبر او مسجدی می ساختند و این تصویرها را در آن می کشیدند؛ اینها نزد الله بدترین مخلوق هستند).

همچنین در صحیح مسلم از جناب بن عبدالله رضی الله عنه روایت شده است که می گوید: از پیامبر صلی الله علیه و سلم شنیدم که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ اتَّخَذَنِي خَلِيلًا كَمَا اتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا، وَلَوْ

محل و فضیلت نماز در آن

كُنْتُ مُتَّخِذًا مِنْ أُمَّتِي خَلِيلًا لَا تَتَّخِذُ أَبَاكَرَ خَلِيلًا. أَلَا وَ إِنَّ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ كَانُوا يَتَّخِذُونَ قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ وَصَالِحِيهِمْ مَسَاجِدَ؛ أَلَا فَلَا تَتَّخِذُوا الْقُبُورَ مَسَاجِدَ؛ إِنِّي أَنهَاكُمُ عَنْ ذَلِكَ» (الله تعالی مرا دوست خود قرار داده است همان گونه که ابراهیم علیه السلام را دوست خود قرار داد، چنانچه از امتم کسی را دوست قرار می‌دادم قطعاً ابوبکر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ را دوست خودم قرار می‌دادم؛ بی‌گمان کسانی که پیش از شما بودند قبرهای انبیا و صالحین خود را مسجد قرار می‌دادند؛ آگاه باشید که شما قبرها را مسجد قرار ندهید، من شما را از این عمل باز می‌دارم).

امام مسلم همچنین با سند خود از جابر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ روایت کرده است: « نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنْ يَجْصَصَ الْقَبْرُ وَأَنْ يَقَعَدَ عَلَيْهِ وَأَنْ يَبْنِيَ عَلَيْهِ» (رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از گچ کاری قبر و نشستن و بنای ساختمان بر آن منع کرده است). این احادیث و تمام احادیثی که در این خصوص وارد شده‌اند به تحریم مسجد قرار دادن قبور اشاره دارند.

این احادیث همچنین به تحریم بنای ساختمان، ساختن گنبد بر قبور و گچ‌کاری بر آنها دلالت می‌کنند؛ برای این‌که این اعمال از اسباب شرک و پرستش صاحبان قبر محسوب می‌شود کما این‌که در گذشته و حال چنین اتفاقی افتاده است، پس بر مسلمان جایز است که در هر مکانی از آنچه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از آن نهی کرده پرهیز نمایند.

ولی در موجودیت قبر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و برخی از یاران ایشان در مسجد نبوی باید گفت؟ که محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و دو یارش (حضرت ابوبکر صدیق و امیر المومنین حضرت عمر) اساساً در مسجد دفن نشده‌اند؛ بلکه در اتاق عایشه رضی الله عنها مدفون هستند.

مگر زمانی‌که مسجد نبوی در زمان ولید بن عبدالملک توسعه داده شد حجره‌ی عایشه رضی الله عنها در پایان قرن اول در مسجد داخل کرده شد.

این عمل در حکم دفن در مسجد به حساب نمی‌آید؛ زیرا رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و یارانش به زمین مسجد انتقال داده نشدند؛ بلکه حجره به علت توسعه در مسجد داخل کرده شد. بدین ترتیب هیچ کس نمی‌تواند از این عمل برای جواز دفن میت در مسجد و بنای ساختمان بر روی قبر استدلال نماید و عمل ولید بن عبدالملک نمی‌تواند حجتی در برابر مخالفت با سنت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ باشد. (برای معلومات مزید مراجعه نماید به احادیث النبوی، فتوا و نظر فقها و بخصوص مجموع فتاوا و مقالات متنوعه 4/337)، (338) (شیخ ابن باز).

حکم شرعی و اسلامی و نظر اکثریت علمای اسلامی همین است که خواندان نماز، در مسجد که در آن قبر وجود داشته باشد جایز نبوده و اگر احیاناً در مسجد قبری وجود داشته باشد، بر مسلمانان واجب است که قبر را باز کرده و استخوان‌های مرده را به قبرستان منتقل سازند، البته ناگفته نماند که استخوان‌های هر قبری بطور جداگانه در قبر شود.

طوری‌که که گفتیم جایز نیست که اساساً در مسجد قبری باقی بماند و در این میان هیچ فرقی بین قبور اولیاء، صحابه و سایر مردگان وجود ندارد، زیرا پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ امت خویش را از این کار بصورت مطلق منع کرده و از آن بر حذر داشته است و یهود و نصارا، را به همین سبب مورد لعن و نفرین قرار داد.

هنگامی‌که ام سلمه و ام حبیبه در مورد کنیسه‌ای که آنرا در حبشه دیده بودند و در آن عکس وجود داشت با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صحبت کردند، رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به آنها گفت: « أَوْلَيْكَ قَوْمٌ إِذَا مَاتَ فِيهِمُ الْعَبْدُ الصَّالِحُ أَوْ الرَّجُلُ الصَّالِحُ بَنَوْا عَلَى قَبْرِهِ مَسْجِدًا، وَصَوَّرُوا فِيهِ تِلْكَ الصُّورَ؛ أَوْلَيْكَ شِرَارُ الْخَلْقِ عِنْدَ اللَّهِ.»

(اینها قومی هستند که هنگامی که بنده‌ی صالح یا مرد صالحی از میانشان فوت می‌کرد بر قبر او مسجدی می‌ساختند و تصویر او را بر دیوار آن می‌کشیدند؛ اینها بدترین مخلوق نزد الله هستند)

در حدیث دیگری آمده است: «أَلَا وَ إِنَّ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ كَانُوا يَتَّخِذُونَ قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ وَصَالِحِيهِمْ مَسَاجِدَ؛ أَلَا فَلَا تَتَّخِذُوا الْقُبُورَ مَسَاجِدَ إِنِّي أَنهَاكُمُ عَنْ ذَلِكَ» (آگاه باشید کسانی که پیش از شما بودند

محل و فضیلت نماز در آن

قبرهای انبیاء و افراد صالح خود را مسجد قرار می‌دادند؛ آگاه باشید قبرها را مسجد قرار ندهید و من شما را از این کار باز می‌دارم).

مشخص است هر کس که نزد قبری نماز بخواند و یا بر آن مسجدی بسازد این عمل بدین معنی تلقی می‌شود که او آن قبر را مسجد قرار داده است؛ پس واجب است که قبرها از مساجد دور و جدا کرده شوند و به اطاعت از پیامبر صلی الله علیه و سلم و بخاطر در امن ماندن از نفرینی که از الله تعالی بر سازندگان مسجد بر قبرها صادر شده نباید هیچ قبری در مسجد قرار داده شود؛ زیرا اگر انسان در مسجدی که در آن قبر وجود دارد نماز بخواند شیطان رفته رفته عبادت مرده را برای او آراسته ساخته و او را به استغاثه، نماز و سجده کردن آن میت وادار می‌سازد و در نتیجه مرتکب شرک اکبر می‌شود، علت دیگر برای تحریم این کار، این می‌تواند باشد که عمل مذکور از اعمال یهود و نصارا است و بر ما واجب است که با آنها مخالفت نموده و از راه و عمل زشت آنها دوری جوئیم. لیکن اگر در جایی قبرهای کهنه‌ای وجود داشته باشد و سپس مسجدی در آنجا بنا کرده بشود من باب سد ذرائع و قطع اسباب شرک باید آن قبرها را از بین برد کما این که علماء همین را گفته‌اند. (مزید معلومات مراجعه شود : به فتوای شیخ ابن باز. (مجموع فتاوا و مقالات گوناگون. (388، 5/389).

تخریب و انهدام مسجد قبر دار:

شیخ ابن عثیمین در مجموع فتاوا و رسائل (2/235، 234) خود مینوسد که : اگر مسجد بر روی قبر ساخته شده است، اولاً نماز خواندن در آن مسجد حرام است و ثانیاً انهدام آن واجب است، زیرا رسول الله صلی الله علیه و سلم یهود و نصارا، را بدلیل این که قبور انبیای خود را مسجد قرار میدادند مورد لعن قرار می‌داد و از این طریق امتش را از عمل آنان بر حذر می‌داشت. ولی اگر مسجد قبل از دفن و جلوتر از قبر ساخته شد و سپس شخصی را در آنجا دفن کنند در این صورت بر مسلمانان واجب است که قبر را از مسجد بیرون کرده و مرده را در قبرستان عمومی انتقال دهد، و در آنجا دفن کنند و نبش قبر در چنین حالتی بدون اشکال است چون در مکانی دفن شده که اصلاً دفن آن در آنجا مشروع نبوده است چه مسجد محل دفن اموات نمی‌باشد. ولی اگر مسجد در پیشروی قبرها قرار داشته باشد، خواندن نماز در آن جایز است به شرط آن که قبر در قسمت قبله نباشد، زیرا رسول الله صلی الله علیه و سلم از نماز خواندن بسوی قبور منع کرده است.

در صورتی که نبش قبر ممکن نباشد باید آن قسمت از دیوار مسجد را منهدم ساخته و قبر را بیرون کنند) و سپس دیوار را بسازند. (مجموع فتاوا و رسائل)

شیخ البانی در کتاب الجنایز مینویسد: « .. اکثر علماء مانند ابن تیمیه، ابن حزم و شوکانی به حرمت نماز در قبرستان معتقد هستند و امام احمد در این باره می‌گوید: هر کس در قبرستان و یا بسوی قبری نماز بخواند، نمازش را اعاده بکند.

ابن حزم می‌گوید: امام ابوحنیفه، امام اوزاعی و امام سفیان نماز خواندن در قبرستان را مکروه می‌دانند و از امام مالک نقل است که ایشان نماز خواندن در قبرستان و بسوی قبر را جائز می‌دانند و دلیل این امر را خواندن نماز جنازه توسط رسول الله صلی الله علیه و سلم بر قبر زن مسکینی که شب هنگام دفن شده بود، می‌دانند... و اکثر علماء علت ممنوعیت خواندن نماز در میان قبرستان و در کنار آن را سد ذریعه دانسته‌اند تا منجر به شرک نشود و یا حداقل مشابَهت با بت پرستان و مشرکین بخصوص با یهود و نصارا نباشد که قبرهای پیامبران خود را مسجد قرار دادند و در اطراف آن نماز خواندند.»

ضمناً نماز خواندن رو به قبر نیز جایز نیست، به علت حدیث پیامبر صلی الله علیه و سلم که می‌فرماید: « لا تصلوا الی القبور ». (رو به قبرها نماز نخوانید).

شیخ البانی در « کتاب الجنایز » پس از ذکر این حدیث مینویسد : « از ظاهر نهی چنین فهمیده می‌

محل و فضیلت نماز در آن

شود که : رو به سوی قبور نماز خواندن، حرام است.
امام نووی این قول را ترجیح می دهد و مناوی در شرح این حدیث در «فیض القدیر» می گوید: رو به قبور نمودن و نماز بمعنی تعظیم فوق العاده قبور است که اینگونه تعظیم فقط شایسته خدا است... شیخ علی قاری در «المرقاه» (372/2) پیرامون شرح این حدیث می گوید:
اگر این عمل برای تعظیم قبر و صاحب قبر باشد، عمل کفار محسوب می شود و تشبیه به کفار مکروه تحریمی است. جنازه نیز هنگامی که روی زمین گذاشته شد، همین حکم را دارد.»
جمهور علماء نماز خواندن در قبرستان را جایز نمی دانند، و بعضی از علماء تنها خواندن نماز جنازه که بدون رکوع و سجود است، را جایز می دانند، بخاطر روایتی از بخاری و مسلم که در آن پیامبر صلی الله علیه و سلم بعد از دفن زنی که مسجد النبی را نظافت می نمود، نماز خواندند. بخاری (460) و مسلم (956) .

نماز خواندن در زمین غصبی:

در صورتی که زمین غصبی باشد و امکان ترک آن با توجه به تنگ بودن وقت نباشد و با توجه به این که نماز در زمین غصبی باطل است؟ وظیفه چیست؟
نماز خواندن در زمین غصبی با علم به این که غصبی است، باطل است. اگر کسی عمداً وارد زمین غصبی میشود، بطور یقین که کار حرامی انجام داده و باید هر چه سریعتر از آن جا بیرون رود. حال اگر وقت نماز تنگ است و اگر بخواهد از زمین غصبی خارج شود، نماز قضا می شود اجتماع امر و نهی، صدق می کند. از یک طرف به امر نماز خواندن و از یک طرف به او گفته می شود غصب نکن.

در بحث اجتماع امر و نهی، برخی جانب نهی را مقدم می دارند، ولی در مورد بحث چون به سوء اختیار وارد زمین غصبی شده، هم باید نماز را بخواند و هم گناهکار محسوب می شود. نحوه نماز خواندن به این صورت باید باشد که اولاً در حال خروج، توبه از غصب داشته باشد. ثانیاً در حال راه رفتن، نماز را با اشاره بخواند و خارج شود و بعد از خروج از زمین غصب نمازش را قضا نماید. (برای معلومات مزید مراجعه شود : عروه الوثقی، جلد اول ، فی مکان المصلی، مسئله 19.)

نماز خواندن در لباس که از پول حرام تهیه شده :

خواننده محترم !

باید گفت که : اصل بر پا کردن نماز ربطی به حلال بودن یا حرام بودن لباس و یا هم فرش نماز (جای نماز و فرش مسجد) که از چه پولی تهیه دیده شده است، ندارد. مهم آنست که شخص نماز گزار برای صحت کامل نماز خویش شروط صحت نماز، ارکان و واجبات آنرا بصورت درست و احسن مطابق سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم انجام دهد و اداء کند.
مسئلاً آنچه که در شرع مربوط به مکان و لباس نماز گزار مبنی بر اینکه باید محل ادای نماز، لباس پاک از نجاست، اینکه لباس عورت نماز گزار را بپوشاند و سایر ارکان و واجبات نماز بیان گردیده است.

هرزمانیکه شخص مسلمان این شروط و ارکان را در مورد محل نماز و لباس خود بوجه احسن مراعات نماید و ارکان نماز را کاملاً انجام دهد و واجبات آنرا رعایت کند، ان شاء الله تعالی نمازش مقبول است و حکم به صحت نماز، نماز گزار داده خواهد شد و چون شرع ظاهر را می بیند و بر قلبها الله تعالی آگاهی دارد که به این ترتیب نماز گزار با خواندن نماز بریء الذمه شد و انشاء الله تعالی که نمازش قبول شده است.

خواننده محترم برادر و خواهر مسلمان!

بادرنظر داشت نظریه و استنباط شرعی فوق علمای اسلام در مورد حکم نماز خواندن در لباس غصب شده یا بدست آورده شده از طریق حرام، و یا لباسی با جنس حرام (مانند ابریشم برای مردها)، و همچنین در مکانی غصب شده، دو قول معروفی را عرض رهنمایی مسلمانها ارایه فرموده

محل و فضیلت نماز در آن

اند .

اول:

مذهب مشهور امام صاحب احمد، و ابن حزم و شیخ الاسلام ابن تیمیه گفته اند که نماز در لباس خریداری شده به پول حرام صحیح نیست. «مجموع الفتاوی» (89/21).

استدلال این عده از علماء به حدیثی است که: از ابن عمر رضی الله عنه بصورت مرفوع روایت گردیده است: «من اشتری ثوبا بعشرة دراهم، و فیه درهم حرام، لم تقبل له صلاة ما دام علیه» مسند امام احمد (98/2). یعنی: هرکس لباسی را با ده درهم بخرد که یک درهم آن حرام باشد، تا زمانی که آن لباس بر تن اوست نمازش قبول نمی شود. (ولی سند این حدیث ضعیف است).

دوم:

در مذهب امام صاحب ابوحنیفه (رح) و امام صاحب مالک و امام صاحب شافعی (رحمهم الله) نماز خواندن در لباس که با پول حرام خریداری شده باشد و یا محل آن، صحیح است. «المجموع» (180/3).

من بدین عقیده هستم که: رأی راجح هم قول دوم است زیرا هیچ حدیث صحیحی از پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد نهی از نماز خواندن در لباس یا مکان غصب شده و یا لباسی که بوسیله ی مال حرام بدست آمده، وارد نشده است.

بنابراین حکم شرعی همین است: اگر کسی بر روی فرشی نماز بخواند که از پول حرام تهیه دیده شده باشد و یا هم در لباسی نماز بخواند که از پول حرام تهیه دید باشد، اصل نماز اش صحیح است، ولی به هر حال نباید فراموش کرد که: نمازگزار بخاطر پوشیدن لباس حرام گناهکار است و این قضیه به نماز او ربط ندارد. مطمئناً مسؤلیت و جوابگویی در نزد پرودگاه و حق العبد مبنی بر تعدی و تخلف بجای خویش به صورت مستقل بحث و مسؤلیت است که بر جای خویش باقی است و انسان متخلف از آن جوابگو خواهد بود. (تفصیل موضوع را میتوان در مجموع الفتاوی مطالعه فرماید).

لباس ابریشم برای مردها شایسته اهل تقوی نیست:

در مورد حکم شرعی در مورد پوشیدن لباس ابریشمی برای مردها و عدم خواندن نماز در حدیثی عقبه بن عامر رضی الله عنه آمده است که:

«أُهِدِيَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَرُوجُ حَرِيرٍ، فَلَبِسَهُ فَصَلَّى فِيهِ، ثُمَّ انْصَرَفَ، فَتَزَعَهُ نَزْعًا شَدِيدًا كَالْكَارِهِ لَهُ، وَقَالَ: «لَا يَتَّبِعِي هَذَا لِلْمُتَّقِينَ». (بخاری: 375)

عقبه بن عامر میفرماید که در یکی از روزها: یکی از صحابه عبایی ابریشمی را به رسول الله صلی الله علیه وسلم اهداء نمودند، رسول الله صلی الله علیه وسلم آن را پوشید و با آن، نماز خواند. پس از اتمام نماز، به سرعت، مانند کسی که آنرا نپسندیده باشد، از تن بیرون آورد و فرمود: «این لباس، شایسته اهل تقوی نیست». همین روایت در صحیح مسلم بصورت کاملتر آن ذکر گردیده است و در این روایت اشاره بعمل آمده است به اینکه جبریل علیه السلام در نماز به پیامبر صلی الله علیه وسلم خیر حرام بودن ابریشم را می دهد، و لذا پس از اتمام نمازش آنرا از تن بیرون آورد، ولی پیامبر صلی الله علیه وسلم نمازش را تکرار نکرد، در مورد عدم تکرار نماز توسط پیامبر صلی الله علیه وسلم، علماء دلیل می اورند که: صحت نماز به حرام یا حلال بودن نماز ربطی ندارد.

نماز خواندن در زمین مغضوبه:

نماز خواندن در سرزمین عذاب شده که سرزمین ثمود هم جزو آن است مکروه است ولی حرام نیست و نماز صحیح است و این مذهب جمهور اهل علم (امام ابوحنیفه، امام مالک، و امام شافعی است و همچنین مشهور مذهب حنابله (حاشیة الطحطاوی صفحه 357، تحفة المحتاج 166/2، مطالب اولی النهی 372/1).

محل و فضیلت نماز در آن

2 - گفته شده که نماز خواندن در این مکان حرام است، و این قول بعضی از حنابه و قول مختار ابن تیمیه در شرح العمدة (510/4) است.

حالا باید ببینیم که کدام یکی از این دو قول صحیح و طبق سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم است؟

نماز خواندن در زمین مغضوب (زمینکه مورد غضب قرار گرفته) مانند سرزمین قوم لوط و هر مکانی که در آنجا عذابی نازل شده باشد مانند سرزمین بابل و ثمود (بین مدینه و شام که قوم صالح علیه السلام بودند) و مسجد ضرار (مجاور مسجد قباء است که توسط منافقین بنا شده بود) و هر مکانی که در آنجا عذابی نازل شده باشد، در نزد جمهور اهل علم صحیح است یعنی نماز باطل نیست، اما خواندن نماز در اینگونه مکانها مکروه می باشد؛ زیرا مورد نفرین واقع شده اند. روزی پیامبر صلی الله علیه وسلم بر سرزمین ثمود عبور کردند و فرمودند: «لَا تَدْخُلُوا عَلَيَّ هَوْلَاءِ الْمُعَذَّبِينَ إِلَّا أَنْ تَكُونُوا بَاكِينَ، فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا بَاكِينَ فَلَا تَدْخُلُوا عَلَيْهِمْ، لَا يُصِيبُكُمْ مَا أَصَابَهُمْ» بخاری (433). یعنی: «به سرزمین اینها که مورد عذاب خدا قرار گرفته اند وارد نشوید، مگر به حالت گریان، و اگر حالت گریه نداشتید بر آنان وارد نشوید، تا عذابی که بر آنان نازل شده بر شما نازل نشود».

و در لفظ مسلم چنین آمده: «لَا تَدْخُلُوا مَسَاكِنَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ، إِلَّا أَنْ تَكُونُوا بَاكِينَ حَذْرًا، أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلُ مَا أَصَابَهُمْ» مسلم (2980). یعنی: «به منزل کسانی که به خود ظلم کرده اند وارد نشوید مگر به حالت گریه و زاری، تا عذابی که بر آنان نازل شده بر شما نازل نشود».

و از ابن عمر رضی الله عنه روایت است که گفت: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَمَّا نَزَلَ الْحَجْرَ فِي غَزْوَةِ تَبُوكَ أَمَرَهُمْ أَنْ لَا يَشْرَبُوا مِنْ بَنَرِهَا وَلَا يَسْتَقُوا مِنْهَا، فَقَالُوا: قَدْ عَجْنَا مِنْهَا وَاسْتَقَيْنَا، فَأَمَرَهُمْ أَنْ يَطْرَحُوا ذَلِكَ الْعَجِينَ وَيَهْرِيقُوا ذَلِكَ الْمَاءَ» بخاری (3378) و مسلم (2981). یعنی: هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه وسلم در غزوة تبوک در محل حجر (منزل ثمود) توقف کرد، هدایت فرمودند از چاه این منطقه نه آب بنوشید و نه از آن بردارند. صحابه گفتند: ما از آب چاه، آرد، خمیر کرده ایم و آب برداشته ایم! رسول خدا صلی الله علیه وسلم دستور داد تا آن خمیر را بیندازند (و به شترها بدهند) و آن آب را بریزند. همچنان امام بخاری در صحیح خود ذکر کرده که علی رضی الله عنه نماز خواندن در بابل را مکروه می دانستند. (نگاه کنید به: «الموسوعة الفقهية» (190/30).

ولی حکم وقاعده ای کلی و رهنمودیک برای نماز خواندن در شرع اسلامی همین است: تا زمانی که محل از نجاسات پاک باشد، خواندن نماز در آن صحیح است، ولو که سرزمین مغضوب خوانده شده باشد، زیرا نهی وارده از داخل شدن به چنین مکانها است و به اصل و ماهیت نماز پرنمی گردد، و مانع صحت آن نیست، اما در اینکه آیا نمازگزار مرتکب عملی حرام شده یا ناپسند؛ مابین اهل علم اختلاف نظر است، و همانطور که ذکر شد جمهور اهل علم آنرا مکروه می دانند، و بعضی از علماء حتی آنرا حرام می دانند، و به روایت ابوداود از ابو صالح الغفاری استناد کردند که گفت: «أَنَّ عَلِيًّا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ مَرَّ بِبَابِلَ وَهُوَ يَسِيرُ فَجَاءَهُ الْمُؤَدِّنُ يُؤَدِّنُ بِصَلَاةِ الْعَصْرِ فَلَمَّا بَرَزَ مِنْهَا أَمَرَ الْمُؤَدِّنَ فَأَقَامَ الصَّلَاةَ فَلَمَّا فَرَغَ قَالَ إِنَّ حَبِيبِي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهَانِي أَنْ أَصَلِّيَ فِي أَرْضِ بَابِلَ فَإِنَّهَا مَلْعُونَةٌ» ابوداود (490). یعنی: «علی رضی الله عنه از بابل عبور می کرد، مؤذن آمد و برای نماز عصر آذان داد، وقتی از بابل گذشتند، به مؤذن امر کرد که برای نماز اقامه کند، وقتی از نماز فارغ شدند گفت: همانا محبوبم صلی الله علیه وسلم مرا نهی کردند از اینکه در قبرستان، و در شهر بابل نماز بخوانم چون این مکان مورد لعن واقع شده است».

اما این حدیث ضعیف است، حافظ ابن حجر در «فتح الباری» گفته: اسناد این حدیث ضعیف است، و شیخ البانی نیز در «ضعیف ابی داود» (76) آنرا ضعیف دانسته است.

شارع سنن ابوداود در «عون المعبود» می گوید: «خطابی گفته: در اسناد این حدیث جای سخن

محل و فضیلت نماز در آن

است، و نمی دانم احدی از علماء نماز در شهر بابل را حرام دانسته باشند، و این روایت با حدیثی که از آن صحیح تر است تعارض دارد، یعنی حدیث: « جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَطَهْرًا ». یعنی: « همه ی زمین برای من (و امتم) محل نماز و پاک قرار داده شده است ».

شیخ الاسلام ابن تیمیه در « الاختیارات » گفته: « مقتضای کلام آمدی و ابو الوفاء بن عقیل آنست که نماز در زمین مغضوبه صحیح نیست، و این قول قوی است، و از امام احمد وارد شده که او گفته: نباید در آنجا خوانده نمی شود ».

شیخ البانی در « الثمر المستطاب » درباره این سخن شیخ الاسلام چنین نظر می دهد:

« ما هیچ دلیلی نیافتیم که نماز در چنین مکانی باطل باشد، و حدیثی که داخل شدن به زمین مورد عذاب را نهی کرده خاص نماز نیست تا بگوئیم نماز در آنجا باطل است، و حدیث علی رضی الله عنه اگر صحیح هم باشد دلیل بر بطلان نماز نیست، و برای همین بیهقی گفته: « نهی از نماز در آنجا اگر بصورت مرفوع از پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت شده باشد - به این معنا نیست که به (نفس) نماز بازگردد، اگر نماز در آنجا خوانده شود نیاز به تکرار ندارد، بلکه علت نهی، والله اعلم، می تواند این فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم باشد: « می ترسم عذابی که بر آنان نازل شده بر شما نازل شود»، بلی، ظاهر نهی تحریم نماز در آنجا را افاده می کند، اما خطابی در «المعالم» گفته:

نمی دانم احدی از علماء نماز در شهر بابل را حرام دانسته باشند».

نماز خواندن در کلیسا:

حکم شرعی همین است که: نماز خواندن در کلیسای نصاری جایز است، بشرطیکه در داخل آن کلیسا تصاویر و مجسمه وجود نداشته باشد، اگر در داخل کلیسا مجسمه و تصاویری وجود داشته باشد، هدایت و حکم اسلام همین است که در آن صورت نماز خواندن در آنجا جایز نمی باشد.

امام بخاری رحمه الله نیز بابتی را در کتاب خود با عنوان: «بَابُ الصَّلَاةِ فِي الْبَيْعَةِ وَقَالَ عُمَرُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ إِنَّا لَا نَدْخُلُ كَنَائِسَكُمْ مِنْ أَجْلِ التَّمَاثِيلِ الَّتِي فِيهَا الصُّورُ وَكَانَ ابْنُ عَبَّاسٍ يَصَلِّي فِي الْبَيْعَةِ إِلَّا بَيْعَةً فِيهَا تَمَاثِيلٌ» آورده است. یعنی: «حکم نماز در عبادتگاه و کلیسا؛ عمر رضی الله عنه گفته: ما بخاطر وجود مجسمه ها و تصاویری که در داخل کلیساهای شماست، داخل آن نمی شویم. و ابن عباس در کلیسا نماز می خواند، بجز در کلیسایی که در آن مجسمه وجود می داشت».

حافظ ابن حجر رحمه الله در کتاب فتح الباری گفته: «صومعه و بت خانه و آتشکده و همانند آنها همگی در حکم کلیسا هستند».

بنابراین نماز خواندن در کلیسای نصاری، چنانکه در آنجا تمثالها و تصاویری باشد، جایز نیست و بعضی از علماء و نماز خواندن در آنجا را، با آن شرایط، حرام دانسته اند، هرچند بعضی از علماء نیز آنرا مکروه می دانند.

و دلیل بر تحریم نماز در داخل کلیسایی که در آن تمثال و تصاویر است، بخاطر عموم ادله ای است که بر تحریم مجسمه و تصاویر وارد شده و نیز دلایلی که بیان می دارد ملائکه به مکانی که تصویر و مجسمه در آنجا باشند، داخل نمی گردند، چنانکه از ابی طلحه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت شده که فرمود: «لَا تَدْخُلُ الْمَلَائِكَةُ بَيْتًا فِيهِ كَلْبٌ وَلَا صُورَةٌ». بخاری (3225) و مسلم (2106). یعنی: «ملائکه به خانه ای که در آنجا سگ و تصویر باشد داخل نخواهند شد».

امام ابن قدامه رحمه الله گفته:

«نماز خواندن در کلیسای تمیز (و عاری از نجاست) ممانعت ندارد، و حسن بصری و عمر بن عبدالعزیز و شعبی و اوزاعی و سعید بن عبدالعزیز به آن رخصت و اجازه داده اند، ولی ابن عباس و امام مالک بخاطر داشتن تصویر آنرا مکروه می دانند...». «المغنی» (1/407).

ولی شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله نماز خواندن در کلیسایی که در آنجا تمثال و تصویر باشد را حرام می داند، چنانکه از ایشان سوال شد: آیا نماز در معبد و کلیسا جایز است اگر در آنجا تصاویر باشد؟ و آیا می توان گفت که آنجا نیز خانه خدا هستند؟

محل و فضیلت نماز در آن

جواب فرمودند: «آنجا خانه خدا نیستند، بلکه تنها مساجد خانه های الله هستند، و معبد و کلیسا خانه هایی هستند که در آنجا به الله کفر می شود، هرچند که گاهی در آنجا ذکر خوانده می شود، ولی خانه بمنزله اهل آنجاست، و اهل آنجا را کفار تشکیل می دهند، بنابراین آنجا خانه عبادتگاه کفار است.»

بصورت کل در مورد نماز خواندن نماز در کلیسا و معبد، علماء به چندگروه تقسیم گردیده اند امام مالک آنرا بطور مطلق ممنوع دانسته، و بعضی از فقهای حنابله آنرا بطور مطلق جایز دانسته اند. و قول سوم: که رای صحیح منتسب به عمر ابن خطاب و غیره است، و رای منصوص امام احمد نیز می باشد، اینست که: اگر در آنجا تصاویری وجود داشته باشد، نماز خوانده نمی شود؛ زیرا ملائکه به مکانی که تصویر داشته باشد داخل نمی شوند، و پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز تا آنکه تمامی تصاویر کعبه را نابود نکرد داخل نشدند، و همچنین عمر رضی الله عنه گفته: ما داخل کلیساهای آنها نمی شویم درحالیکه در آنجا تصاویر وجود دارد. «الفتاوی الکبری» (2/ 59).

خلاصه اینکه:

عده ای از علماء نماز خواندن در داخل معابد و کلیساهایی که تصاویر و مجسمه در آنجا باشد را حرام می دانند و عده ای دیگر آنرا مکروه دانسته اند. اما حتی اگر نماز خواندن در آنجا حرام هم باشد، این دلیل بر باطل بودن نماز آنجا نیست، یعنی بالفرض که شخصی با وجود داشتن تصاویر و مجسمه در داخل کلیسائی نماز خواند، نماز او باطل نیست، ولی بالفرض تحریم نماز در آنجا مرتکب گناه شده است ولی نمازش صحیح است.

هیئت دائمی افتاء؛ نماز خواندن در مکانی که تصویر دارد را مکروه دانسته ولی حکم به صحت نماز داده اند، چنانکه در فتوائی چنین تاکید نموده اند: «.. و نماز خواندن در مکانی که در آنجا تصاویر نصب یا آویزان شده باشد، مکروه است، خصوصا که آن تصاویر در جهت قبله نماز گزار باشد، ولی نماز صحیح است.» «فتاوی اللجنة الدائمة» (377/ 5).

بنابراین خواندن نماز جمعه و یا سایر نمازها در کلیسا و یا معابد یا هر مکان دیگری که در آنجا تصاویر و مجسمه وجود نداشته باشد، جایز است. ولی اگر تصاویر و تمثال وجود داشته باشد، چنانکه مقدور باشد که با پرده یا پارچه ای آن تمثالها و تصاویر را پوشانیده و مخفی کرد، ایرادی ندارد که نماز بخوانید، و اگر این امر مقدور نباشد، بهتر است به مکانی بروید که عاری از هرگونه تمثال و تصویر باشد و در آن مکان نماز بخوانید، اما اگر این هم مقدور نبود و چنین جایی برای نماز خواندن پیدا نشد، پس می توانید در همان مکان یا کلیسا نماز جمعه یا سایر نمازها را اداء کنید و انشاءالله نماز صحیح است.

نماز خواندن مسلمانان در کلیسا ایا صوفیا در ترکیه :

خواننده محترم !

در اواخر سال 2014 سفری داشتم به کشور ترکیه واز آنجمله به شهر زیبا و تاریخی استنبول، در ضمن بازدید از اماکن تاریخی و اسلامی به زیارت محل شهیر جهانی بنام ایا صوفیا نیز پرداختم . این محل مشهور تاریخی مطابق روایات در طول عمران خویش روزگار مختلفی را دیده است گاهی کلیسا ، گاهی مسجد ، گاهی موزیم وگاهی محل سیاهی برای سیاحین . این بنای تاریخی ونمونه ، توسط گروه از انجیران ومعماران در مدت اضافتر از پنج سال توسط ده هزار گاکر اعمار وتزئین نمونی گردیده است .

بعد از اینکه این بنای تاریخی اعمار وکار ساختمانی آن به پایان رسید بتاريخ 27 دسامبر 537 توسط کشیش مشهور جهان اوتی چیوس افتتاح ومورد بهره برداری قرار گرفت .این محل بعد از افتتاح رسمی بحیث مرکز عبادت ارتدوکس های استانبول و همچنین محل اجرای مراسم رسمی وتشریفاتی امپراتوری از جمله کروناسیون مبدل گردید .

در ضمن اینکه در این کلیسا عبادات ومراسم تشریفاتی رسمی کلیسا صورت میگرفت ، ایا صوفیا

محل و فضیلت نماز در آن

بحیث بزرگترین مرکز یتیم خانه شهر استنبول و محل پرورش علم و فرهنگ و در نهایت امر این بنای تاریخی با همه میناتورهای و رسامی های اش بهترین جای برای تروستان جهان مبدل گردید بود ، بنا بر اهمیت بودن این محل ، بعد از جنگ چهارم صلیبی ایاصوفیا بحیث مرکزی مشهور دینی ارتدوکس مبدل میگردد .

ولی بعد از اینکه شهر استنبول بصورت کامل بدست مسیحیان در آمد با تاسف باید گفت که این مرکز مورد تجاوز و بی حرمتی غیر باور شدنی مسیحیان لاتین قرار میگیرد ، بسیاری از اموال تاریخی ، بسیاری از آثار تاریخی و دینی از جمله سنگ قبر حضرت عیسی مسیح ، رسامی اصلی شیردهی مریم مقدس ، کفن حضرت عیسی مسیح ، استخوان های برخی از امامان مسیحی دفن شده در ایاصوفیا دزدیده میشود و به کلیساهای غرب منتقل می یابد .

در ضمن اینکه اشیا عقیقه ای این مرکز فرهنگی دزدی و به غارت برده شد ، بعد از تصرف کامل استانبول توسط لاتین ها ایاصوفیا از دست کلیسا ارتدوکس خارج و بحیث کلیسای کاتولیک های روم مبدل میشود .

سیطره مسیحیان کاتولیک تا سالهای 1450 بر شهر استنبول و بر این کلیسا ادامه یافت تا اینکه شهر استنبول در سال 1450 توسط ترک های آتامان فتح میگردد.

از اینکه این محل نامدار ترین و یکی از سمبول های این شهر بشمار میرفت ، سلطان محمدفاتح قائد اعظم مسلمانها در همان روز فتح استانبول طی فرمانی حکم تبدیلی کلیسای ایاصوفیا را به مسجد صادر کرد و تقریباً سه روز پس از فتح استانبول، اولین مراسم نماز جمعه در ایاصوفیا به امامت آق شمس الدین، بر پا گردید و اولین خطبه به نام پادشاه فاتح عثمانی خوانده شد. بعد از اینکه این بنای تاریخی شرف عبادتگاه مسلمانان را یافت، تمام رسامی های و آثار عبادی مسیحیان توسط تگه ها با مهارت خاصی پوشانیده شد ، هیچ یکی از آثار ادیان قبلی که در این بنا وجود داشت ، تخریب نگردید ، و زمینه خواندن نماز از لحاظ شرعی برای مسلمانان در آن مساعد گردید .

ولی این حالت بالاخره در سال 1935 توسط اولین رئیس جمهور ترکیه مصطفی آتاترک، وضعیت دیگری را بخود گرفت ، مسجد شهیر مسلمان های ترک که بحیث سمبول استقلال ترک ها بشمار میرفت ، به موزیم تبدیل کردید. این ساختمان زیبا از هر قرن و از هر ناپغه ای اثری دارد. از دوره بیزانس گرفته تا معمار ترک، سینان که اولین معماری بود که اصول زلزله را در کارهایش به کار می گرفت؛ از معماران سوییس تا خطاط های برجسته اسلامی. این اثر از ده ها کشور و شهر آنتیک اثر دارد و تاریخ تصویری بیش از 15 قرن است و از هر دوره مثلاً جنگ های صلیبی یا ترکی اسلامی نشانه هایی دارد و در آن فرهنگ اسلامی و مسیحی در هم آمیخته و با گنبد شاهکار آن بیننده را غرق در نور و آرامش می کند و هنوز که هنوز است در مورد اسرار آن کتاب ها نوشته می شود.

نماز خواندن بر سر راه عبور و مرور مردم:

در حدیثی که از : ابن عمر رضی الله عنه روایت گردیده است آمده است : «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهَى أَنْ يُصَلَّى فِي سَبْعَةِ مَوَاطِنَ : فِي الْمَرْبَلَةِ، وَالْمَجْزَرَةِ، وَالْمَقْبِرَةِ، وَقَارِعَةِ الطَّرِيقِ، وَفِي الْحَمَامِ، وَفِي مَعَاظِنِ الْإِبِلِ، وَفَوْقَ ظَهْرِ بَيْتِ اللَّهِ .» (ترمذی (346) وابن ماجه (746) یعنی: «رسول الله صلی الله علیه وسلم از نماز خواندن در هفت مکان نهی فرمودند: در زیاله دانی، و کشتارگاه، و قبرستان، و بر سر راه مردم، و در حمام، و در استراحتگاه شتران، و بر پشت بام کعبه .»

بنای خواندن نماز در سر سرک ها ، اتوبانها ، و یا در راهی که مورد استفاده مردم و وسایل نقلیه قرار داشته باشد ، جایز نمی باشد ، زیرا نماز خواندن در این مکان موجب تنگی و ضیق راه بر مردم و منع عبور و مرور آنها می شود، علاوه بر آن خواندن نماز در راه عام خود شخص نمازگزار را نیز به تشویش انداخته ، و خشوع کامل نمازگزار را خدشه دار می سازد ، و قرار

محل و فضیلت نماز در آن

گرفتن در این تشویش در نهایت امر به کاستن اجر و ثواب نماز منجر می گردد. همچنان قابل یاد اوری است که : اگر خواندان نماز در راه عمومی خطر جانی برای نمازگزار ببار آرد، حتی نماز خواندن در چنین مکانی بر شخص حرام است. ولی نباید فراموش کرد که در دین مقدس اسلام استثنات هم وجود دارد بطور مثال : اگر در وقت خواندن نماز جمعه و یا نماز عیدین در داخل مسجد جای ضیقی گردد ، و ازدحام مردم در مسجد بیشتر شود ، مردم میتوانند در روی سرک و یا راه عمومی ادای نماز جماعت نمایند .

نماز خواندن بر تخت خواب:

مادامیکه تخت خواب ثابت باشد و نمازگزار بتواند پیشانی و سر بینی خود را در وقت سجود بر آن بگذارد، در آنصورت خواندن نماز بر روی آن جایز است. الحطاب در کتاب «مواهب الجلیل» (520/1) که متعلق به فقه مالکی ، گفته : «.. و اما هیچ خلاقی در جواز نماز بر روی تخت نیست».

و امام نووی شافعی مذهب در کتاب «المجموع» (221/3) گفته : «شرط نماز فرض آنست که نمازگزار رو به قبله در کل نماز مستقر باشد .. اگر رو به قبله کند و ارکان آنرا تماما انجام دهد چه در کجاوه باشد یا تخت یا بر پشت حیوانی، ایستاده باشد، در صحت نماز فرضش دو رأی هست : بر طبق رأی صحیح تر نماز صحیح است، زیرا بمانند کشتی است».

و از شیخ صالح فوزان سوال شد : اگر انسان در طهارت زمین شک داشته باشد، و هیچ عذر و یا مرضی نداشته باشد، آیا نماز خواندن بر مکان مرتفعی نسبت به زمین؛ مانند تخت یا شبیه آن جایز است؟ جواب فرمودند : «ایرادی ندارد که انسان بر شیء مرتفعی مانند تخت و یا شبیه آن نماز بخواند، بشرطیکه ظاهر و ثابت باشد، و نماز خواندن بر روی آن موجب ایجاد سروصدا و یا خللی برای نمازگزار نشود، و وی را به تشویش نیاندازد» . «المنتقی» (143/2).

نماز خواندن در روپری شیشه :

خواننده محترم اصل اساسی و کلی که باید در وقت برپا گردیدن نماز جداً مراعات شود حفظ خشوع و خضوع در نماز که حیثیت روح نماز را دارد، میباشد . بناً اگر خواندن نماز در برابر آینه هواس نماز گزار را پرت و مختل می سازد ، ضرری و خدشه به خشوع و خضوع نماز گزار وارد می نماید ، خواندن نماز در مقابل آینه بنزد علماء مکروه بوده ، در غیر آن ممانعتی ندارد . زیرا طوریکه گفتیم خشوع روح نماز است و هراندازه خشوع در نماز، نمازگزار بیشتر گردد، اجر و ثواب او نیز بخاطر ادای نمازش بالا می رود. و هر عامل که مانع حصول خشوع در نماز شود، انجام آن مکروه است.

اماکن ممنوعه برای نماز:

قبل از همه باید گفت تمام زمین مطهره برای امت محمد صلی الله علیه وسلم جایگاه مسجد را دارد یعنی می شود در آنجا ها نماز خواند بجز اماکنی که در ذیل از آن نام می بریم:

در حدیثی متبرکه از ابن عمر رضی الله عنه روایت گردیده که : «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهَى أَنْ يُصَلَّى فِي سَبْعَةِ مَوَاطِنَ : فِي الْمَرْبَلَةِ، وَالْمَجْزَرَةِ، وَالْمَقْبَرَةِ، وَقَارِعَةَ الطَّرِيقِ، وَفِي الْحَمَّامِ، وَفِي مَعَاظِنِ الْإِبِلِ، وَفَوْقَ ظَهْرِ بَيْتِ اللَّهِ». ترمذی (346) وابن ماجه (746). (رسول الله صلی الله علیه وسلم از نماز خواندن در هفت مکان نهی فرمودند: در زباله دانی، و کشتارگاه، و قبرستان، و بر سر راه مردم، و در حمام، و در غوچل و یا محل بودوباش شتران، و بر پشت بام کعبه).

ولی محدثین این حدیث را از جمله احادیث ضعیفه می شمارند ، طوریکه خود ترمذی در ادامه گفته: «اسناد حدیث ابن عمر قوی نیست».

همچنین ابوحاتم رازی در «العلل» (جلد اول- صفحه 148)، و ابن جوزی در «العلل المتناهیه» (جلد اول صفحه 399)، و بوصیری در « مصباح الزجاجة » (جلد اول صفحه 95)

محل و فضیلت نماز در آن

، و حافظ ابن حجر در « التلخیص » (جلد اول صفحات 531-532) ، و علامه البانی در « الإرواء » (جلد اول صفحه 318) این حدیث مذکور را ضعیف دانسته اند. ولی به همه حالا از فحوی این حدیث طوری معلوم میشود که در شریعت اسلامی نماز خواندن در هفت مکان مورد نهی قرار داده شده است. و این هفت مکان در حدیثی از ابن عمر رضی الله عنه به تفصیل بیان گردیده است : « أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهَى أَنْ يُصَلَّى فِي سَبْعَةِ مَوَاطِنَ : فِي الْمَرْبَلَةِ، وَالْمَجْزَرَةِ، وَالْمَقْبِرَةِ، وَقَارِعَةِ الطَّرِيقِ، وَفِي الْحَمَّامِ، وَفِي مَعَاظِنِ الْإِبِلِ، وَفَوْقَ ظَهْرِ بَيْتِ اللَّهِ ».

نماز خواندن در زباله دانی:

معمولاً همچو محلات در کشور ما بنام (دیران) شهرت دارند ، بناً نماز خواندن در دیران و یا زباله دانی که معمولاً به نجاست آلوده است ، در آن جایز و صحیح نیست . در شرع اسلامی پاکی مکان نمازگزار جزو شروط صحت نماز است، دلیل شرط پاک بودن مکان، فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم به اصحابش هنگام ادرار کردن بادیه‌نشینی در مسجد است که فرمود : «أرئقوا علی بوله سجلا من ماء» منفق علیه یعنی: «بر ادرارش سطلی آب بریزید». و اگر بالفرض آلوده به نجاست نباشد، باز شایسته نیست در محلی که ناپاک و کثیف و چرکی است رو بروی الله متعال ایستاد و نماز خواندوبا پروردگار خویش راز و نیاز کرد .

نماز خواندن در کشتارگاه:

در کشتار گاه و محل ذبح حیوانات مانند (قصاب خانه کشتار شتر ، گاو ، گوسفند ، بز) و یا محل که آلوده به چرک و نجاسات مانند خون و دیگر پلیدیها ، باشد، خواندن نماز در این محلات جایز نمی باشد ، زیرا پاک بودن محل از نجاسات شرط صحت نماز است، ولی در صورتیکه امکان کشتار گاه پاک و نظیف باشد ، طوریکه در عصر امروزی شکل کشتار گاه فرق نموده و مجهز به وسایل نظیفی پیشرفته میباشد ، پس خواندن نماز در آنجا صحیح و جایز است.

نماز خواندن در غوجل (طبیله) شتران:

نماز خواندن در محل استراحتگاه شتران (غوجل - طبیله) جایز نمی باشد ، در حدیثی که : از براء بن عازب رضی الله عنه روایت گردیده آمده است: از پیامبر صلی الله علیه وسلم درباره نماز خواندن در استراحتگاه شتران سوال کردند، فرمود : «لاتصلوا فی مبارک الإبل فإنها من الشیاطین». صحیح ابن ماجه (7351). یعنی: «در استراحتگاه شتران نماز نخوانید چون از شیاطین است». علاوه بر آن؛ نماز خواندن در مکان استراحتگاه (غوجل) شتران باعث تشویش نمازگزار و کاستن از خشوع و خضوع نمازگزار می گردد، زیرا ممکن است از اذیت آنها بهراسد.

نماز خواندن در حمام:

در مورد علت نهی و ممنوعیت نماز در حمام علماء بدین عقیده اند که : چون حمام ماوی و محل استراحت اجنه و شیاطین است، و محل کشف عورت است، بناً خواندان نماز در حمام در شرع اسلامی ممنوع گردیده است. از جمله در حدیثی که از ابو سعید خدری رضی الله عنه حکم عدم نماز خواندن در حمام چنین بیان گردیده است: «قال رسول الله صلى الله عليه وسلم الارض كلها مسجد الا المقبرة و الحمام». أبو داود (492) و ترمذی (317) و ابن ماجه (745). (تمام زمین مسجد است، و نماز خواندن روی آن جایز می باشد، جز قبرستان و حمام، البانی در «الإرواء» (320/1) آنرا صحیح می داند.

خواننده محترم !

وقتیکه خواندن نماز بر اساس حکم پیامبر صلی الله علیه وسلم در حمام ممنوع باشد، بصورت قطع خواندن نماز در محل قضای حاجت و تشناب ها به طریق اولی ممنوع است، و اگر در این باره نهی مشخصی از پیامبر صلی الله علیه وسلم وارد نشده، چون هر انسان عاقلی که بشنود پیامبر اسلام

محل و فضیلت نماز در آن

نماز در حمام را نهی کرده بوضوح درمی یابد که نماز در محل قضای حاجت نیز ممنوع است. شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله در مورد نماز در محل قضای حاجت میفرماید: «نص خاصی در نهی نماز در محل قضای حاجت وارد نشده، زیرا دانستن آن نزد مسلمین کاملاً ظاهر است و نیازی به دلیل نیست». (مراجعه شود به مجموع الفتاوی شیخ الاسلام) (240/25).

نماز خواندن در پشت بام کعبه:

نماز خواندن بر پشت بام کعبه از موضعات قابل بحث و از جمله موضعات اختلافی در بین علماء اسلامی میباشد، برخی از علماء نماز خواندن بر بام کعبه را جواز میدانند، و برخی از علماء بر عدم صحت نماز بر پشت بام کعبه حکم صادر نموده اند، و استدلال میاورند که اگر شخصی نمازگزار بر بالای بام کعبه نماز بخواند، شرط استقبال قبله را مراعات نکرده، و قسمتی از کعبه پشت سرش قرار می گیرد، و در واقع او بر کعبه نماز می خواند نه رو به آن! اگرچه امام صاحب ابو حنیفه و امام صاحب شافعی به قیاس صحت نماز داخل کعبه آنرا جایز می دانند، و استدلال میاورند که: در حدیث صحیح وارد شده که پیامبر صلی الله علیه وسلم در روز فتح مکه پس از داخل شدن به کعبه در آنجا نماز خواندند. اما ماعدا از اینکه نماز خواندن بر پشت بام کعبه در شرع اسلامی صحیح است یا خیر، مهم آنست که امروزه چنین چیزی برای مسلمانان در ادای نماز بر سر بام کعبه میسر نیست، بناً نباید در این مبحث زیاد وقت خویش را ضایع سازیم و به اصطلاح برای صحت و عدم صحت نماز استدلال بیاوریم.

نماز خواندن در محل غیبت:

غیبت یعنی اینکه عیب کسی را در غیاب آن شخص به دیگران منتقل کند در شرع اسلام آنرا غیبت مینماید. غیبت یکی از گناهان بزرگ و از جمله گناه کبیره در دین مقدس اسلام بشمار میرود و قرآن عظیم الشان آن را به منزلهی خوردن گوشت مردار انسان معرفی داشته است. «یا ایها الذین امنوا اجتنبوا کثیرا من الظن ان بعض الظن اثم و لاتجسسوا و لایغتب بعضکم بعضا ایحب احدکم ان یاکل لحم اخیه میتا فکرموه». (ای کسانی که ایمان آوردهاید! از بسیاری گمانها در حق یکدیگر پرهیزید که برخی از گمانها گناه است و درباره یکدیگر تجسس نکنید و برخی از شما از دیگری غیبت نکنند. آیا هیچ يك از شما دوست دارد گوشت برادر مرده اش را بخورد؟ البته از آن کراهت دارید.)

علماء میگویند که در امر غیبت فرق نمیکند که آن عیب مستور و پوشیده باشد یا غیر مستور. و فرقی نمیکند کسیکه غیبت از او میشود راضی باشد یا نه. و همچنین فرقی نیست که غیبت با گفتار باشد و یا کردار مانند اشاره و نوشتن و امثال اینها و همین مقدار که به عنوان تنقیص و ضربه زدن به شخصیت کسی عیب او را در غیاب او به دیگری منتقل کند، غیبت و از گناهان کبیره است. فکر نمیکند، اگر کسیکه غیبت از او میشود، راضی باشد که از او غیبت شده علاوه بر این که غیبت کننده گناه نموده است، کسی که راضی به آن گناه بوده است نیز گناهکار است. ناگفته نباید گذاشت، همانطوریکه غیبت نمودن حرام و از جمله گناهان کبیره در دین مقدس اسلام میباشد، شنیدن غیبت نیز حرام و از جمله گناهان کبیره است.

بناً اگر شنونده میتواند، در قدم اول باید به در دفاع از کسی که غیبت از او بعمل می آید بپردازد، و اگر احیاناً توان دفع آنرا نداشته باشد و نمیتواند، باید از خود مجلس غیبت بیرون رود؛ و آن مجلس را ترک کند، و اگر نمیتواند، نباید به گفتار غیبت کننده توجه کند.

همچنان در شرع نماز خواندن را در محل غیبت جواز ندانسته و در حدیثی از آن نهی بعمل آمده است: «پشت سر کسی که خوابیده است یا حرف می زند (یعنی غیبت میکنند) نماز نخوانید، چون کسیکه مصروف غیبت است، با غیبت او ذهن نماز گزار را مشغول می کند و همچنین شخصی که

محل و فضیلت نماز در آن

خواهیده ممکن است حرکاتی از او سر بزند که موجب مشغول شدن نمازگزار شود . و از طرف دیگر بصورت حکم علماء اسلامی همین است که حضور و عبادت در همچو مجالس گناه جایز نمی باشد .

پایان

محل و فضیلت نماز در آن

فهرست مطالب مندرج :

1	خواندن نماز در کعبه
2	ثواب و فضیلت عبادت در کعبه
3	محدوده مسجد مکه
4	محدوده مسجد الحرام
5	فضیلت نماز خواندن در مسجدالحرام
6	نماز خواندن در مسجدی که با قبله انحراف داشته باشد
7	دلیل اینکه رو کردن به قبله حین نماز شرط واجب است
8	نماز خواندن در محل که تصاویر باشد!
9	عدم حضور ملائکه درخانه که در آن تصویر باشد
10	نماز خواندن در لباس عکس‌دار
11	نماز خواندن در محل ناپاک
12	نماز خواندن در مکان ناهموار
13	نماز خواندن بطور نشسته
14	نماز خواندن در موتر
15	چرا میتوان در کشتی و طیاره نماز فرض را خواند؟
16	نماز خواندن در طیاره و قاعده ای قبله یابی
17	نماز خواندن در مساجد قبردار
18	تخریب و انهدام مسجد قبر دار
19	نماز خواندن در زمین غضبی
20	نماز خواندن در لباس که از پول حرام تهیه شده
21	لباس ابریشم برای مردها شایسته اهل تقوی نیست
22	نماز خواندن در زمین مغضوبه
23	نماز خواندن در کلیسا
24	نماز خواندن مسلمانان در کلیسا ایا صوفیا در ترکیه
25	نماز خواندن بر سر راه عبور و مرور مردم
26	نماز خواندن بر تخت خواب
27	نماز خواندن در روبری شیشه
28	اماکن ممنوعه برای نماز
29	نماز خواندن در زباله دانی
30	نماز خواندن در کشتارگاه
31	نماز خواندن در غوجل (طبيلة) شتران
32	نماز خواندن در حمام
33	نماز خواندن در پشت بام کعبه
34	نماز خواندن در محل غیبت

محل و فضیلت نماز در آن

تتبع ، نگارش و نوشته از:

الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
 وداکتر صلاح الدین « سعید ی - سعید افغانی »
 ادرس ارتباطی :

saidafghani@hotmail.com

strategicstudies@yahoo.com

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**